
قوانین سال یکهزار و هشت صد و نود و چهار عیسوی

سنه ۱۷۹۴

مصدرة از حضور نواب گورنر جنرل بهادر

در اجلاس کونسل

مطبوعه طبع خانۀ مری رام پور

در سال یکهزار و هشت صد و بیست و هشت عیسوی

سنه ۱۸۲۸

قانون اول سنه ۱۷۹۴ عيسوي

قانون درباب اينکه مکافات تياري و فروش شراب وغيره مسکرات بعنوان ممنوع از روي قانون پنجاه و یکم سنه ۱۷۹۳ عيسوي معين است آنهاهمه نیز نسبت بدیکر جميع اشياي مسکرة که جهت تياري و فروش آن حصول سند لازم است مرعي گردد و جويمانه که ارکسان در صورت ثبوت اينمعني که آنها بلا حصول سند شراب وغيره تيار يا فروش نمايند در سه روز گرفته شود نصف آن بکوينده انعام داده شود و بنام کسیکه نالش از کتاب تقيمه مزبور برسد او بر سهيل استعجال گرفتار آيد و مقدمه اش نیز با سرعت از مده تجویز گردد و آنرا بتاریخ بیست و چهارم ماه جنوري سنه ۱۷۹۴ عيسوي مطابق چهاردهم ماه ماآه سنه ۱۲۰۰ بنکه موافق هشتم ماه ماآه سنه ۱۲۰۱ فصلي مطابق چهاردهم ماه ماآه سنه ۱۲۰۱ ولايتي موافق هشتم ماه ماآه سنه ۱۸۵۰ نسبت مطابق بیست و دوم شهر جمادي الثاني سنه ۱۲۰۸ شمسي *

دفعه اول

از آنجا که بعد نظر و وصول خراج سرکار بلاتفاوت و قصور ضرور است که در صورت ارتکاب کسی به تياري يا فروش هيچ يک اشياي مسکرة بلا گرفتن سند که حصول آن از صاحبان تکثير لازم است مکافات آن عماید حال او گردد و بکوينده هاي اينقسم تقصير انعام معقول داده شود و نیز در باب گرفتار کردن مرتکبان اينقسم نقصان و تجویز کنانیدن مقدمات آنها با سرعت عازمه اقتدار و اختيار کماينمعي باشکاران تحصیل خراج مزبور حاصل گردد در اینصورت قواعد مرتومه الذیل مقرر گردید *

دفعه دوم

در صورتیکه کسی بلا حصول سند که براي تياري و فروش شراب وغيره حصول آن از صاحب تکثير لازم است شراب يا ديگر هيچ يک اشياي مسکرة تيار يا فروش نمايد بعد ثبوت آن در عدالت ضلع يا شهر بالفرض اگر شراب مزبور در بهتي تيار شده باشد پس هر قدر محصول در مکان معين تياري يا فروش شراب وغيره متصل آنجا في بهتي مقرر باشد بقدر سه چند آن جويمانه از مرتکب تقصير مزبور بابت هر قدر ايام

که او شراب مزبور تیار یا فروش نموده باشد گرفته خواهد شد و اگر شراب مزبور در ایته تیار نشده باشد وجه جریمانه بحساب مرتومه الصدر بمقدار آن شراب گرفته خواهد شد و اگر غیر از جنس شراب دیگر هیچ یک اشیای مسکوه تیار یا فروش نموده باشد پس بالای آن اشیای مسکوه در مکان مزبور هر قدر محصول مقرر باشد بقدر آن حساب آن جریمانه بعنوان مرتومه الصدر گرفته خواهد شد *

دفعه سوم

هرگاه کسی گوینده ضمن بلد که فلان کس شراب یا دیگر هیچ یک اشیای مسکوه بدون سند تیار یا فروش می نماید عندالاثبات آن در عدالت دیوانی جریمانه که از مرتکب تقصیر مزبور گرفته شود نصف آن گوینده مذکور خواهد یافت لیکن در صورتیکه پیش صاحب عدالت متحقق گردد که اتهام گوینده مزبور محض بیجا و از راه شرارت بود صاحب موصوف را باید که هر قدر زبریاری عاید حال منعم مزبور شد؛ باشد معه هر قدر تاران که حسب حالت مقدمه مناسب دانند از گوینده مزبور بدهند *

ذکر اینکه بعد اثبات تقصیر تباری یا فروش شراب و غیره بلا حصول سند آنچه جریمانه گرفته شود نصف آن گوینده خواهد یافت و در صورت بیجا بودن اظهار گوینده تاران از او دهانیده خواهد شد *

دفعه چهارم

بمد نظر گرفتار آمدن و بسزا رسیدن مردمان مرتکب تقصیر مندرجه دفعه دوم باسرع از مننه صاحب کلکتر را باید که هرگاه خبر بیابند که کسی شراب یا دیگر اشیای مسکوه بدون سند تیار یا فروش می نماید یک نفر و اگر ضرورت دانند دو نفر پیاده برای گرفته آوردن آنکس تعیین سازند و آن هر یک پیاده بحساب روانه یومیه بابت هر قدر یوم که کلکتر بلحاظ مسافت جهت گرفته آوردن و حاضر کردن آنکس پیش صاحب عدالت ضلع کافی تصور سازند وجه خوراکي خواهد یافت چنانچه صاحب کلکتر موصوف را باید که تعیین آنقدر یوم در روانه خود مندرج گردانند در صورت ثبوت تقصیر وجه خوراکي مزبور هم بر مرتکب تقصیر مزبور سواي جریمانه که معین شود واجب خواهد گشت لیکن در صورت عدم ثبوت تقصیرش ادای وجه خوراکي مزبور از سرکار خواهد گردید و در صورتیکه صاحب کلکتر را گرفتار آمدن آنکس بعنوان مرتومه الصدر منظور نباشد صاحب موصوف را اختیار است که به تحصیل دارر محصول شراب و دیگر مسکرات که مرتکب تقصیر مزبور در علاقه او سکونت دارد حکم صادر نمایند که خواه مرتکب تقصیر مزبور را خود گرفتار ساخته بداروغه پولیس انجا رساند خواه برای گرفتار ساختن او بداروغه مزبور برنگارد *

ذکر طریق گرفتار ساختن کسانی که خبر ارتکاب آنها با تقصیر مندرجه دفعه دوم پیش صاحب کلکتر برسد *

دفعه پنجم

دفعه نهم

ذکر سمیل تحصیلداران
زر محصول شراب و غیره
در باب گرفتار ساختن
کسانیکه بدون سند
شراب و غیره نیار یا فروش
نمایند *

بتهصیلداران زر محصول شراب و غیره اختیار است که هرگاه خمر یا بنند که کسی
بدون سند شراب یا دیگر اشیای مسکوره تیاریا فروش مینمایند خواه آنکس را خرد
ها گرفتار ساخته بداروغه پولیس آنجا رسانند خواه برای گرفتار ساختن آنکس قطعه
خط بمهر و دستخط خود ها بداروغه پولیس مزبور برنگارند درحالتی که هیچیک
تحصیلدار مرتکب این قسم تقصیر را خرد گرفتار آرد او را نمی باید که مرتکب
تقصیر مزبور را سواي آنقدر زمان که برای رسانیدن او پیش داروغه پولیس کافی
باشد در حواله مردمان خود بدارد *

دفعه ششم

ذکر سمیل داروغه های
پوایس بعد گرفتار آمدن
مزمان منهم به تقصیر
مندرجه دفعه دوم *

بداروغه پولیس باید که هرگاه خط هیچیک تحصیلدار زر محصول شراب یا دیگر
اشیای مسکوره در باب گرفتار ساختن کسی مرتکب تقصیر مندرجه دفعه دوم بنام آنها
برسد مرتکب تقصیر مزبور را گرفتار ساخته در میان بیست و چهار ساعت انگریزی
بعد گرفتار آمدن او پیش صاحب عدالت روانه سازند. در صورتیکه مرتکب تقصیر مزبور
بعد گرفتار آمدن خود پیش داروغه مزبور ضامن صد سو بدهد بدین قرار که او
تا روزیکه آنرا داروغه مزبور الحاقاً تعداد ایامیکه جهت رساندن او بجای مستقر
عدالت کافی تواند شد معین سازد پیش صاحب عدالت مزبور حاضر شده بجواب
ناش خواهد پرداخت داروغه مزبور را اختیار خواهد بود که او را خلاص نماید
در صورتیکه مرتکب تقصیر مزبور در میان عرصه معینه حاضر نکرد پس هر قدر
جریمانه که صاحب عدالت بملاحظه کیفیت و وجوهات اثبات مرسله صاحب
ملکتر بر او دگری نمایند از گرفته خواهد شد در صورتیکه حاضر ضامن آنکس
روش کرد یا وجه جریمانه را ادا نتواند کرد نشان این بدمه داروغه مزبور
واجب خواهد گشت *

دفعه هفتم

ذکر طریق تجویز انفصال
مقدمات مردمان مرتکب
تقصیر مندرجه دفعه دوم *

همان نظر مرهت تجویز مقدمات مردمان مرتکب تقصیر مندرجه دفعه دوم حکم کرده
میشود که بعد حاضر آمدن کسی از این قسم مردمان پیش صاحب عدالت صاحب
ملکتر را در باب اظهار کوائف مقدمه و وجوهات اثبات آن بوکیل مرکار ایما نمایند
مکن بعد صاحب عدالت را باید که بلا توقف و تساهل تحقیقات مقدمه مزبور
بطور مجمل نموده قسمیکه مقتضی انصاف تصور سازند انفصال آن نمایند هر قدر
جریمانه که صاحبان عدالت بر این قسم مردمان دگری نمایند صاحبان مرصوف

قانون اول سنه ۱۷۹۳ عيسوي

را بايد که آنرا بعنوان مندرجهٔ دفعه سوم قانون پنجاه ویکم سنه ۱۷۹۳ عيسوي
بوسول رسانند در صورتیکه با-اي جريمانه معينه ا.کار يا تغافل نمايد يا طاقت ادای
آن ندارد صاحب عدالت را بايد که مطابق حکم مندرجهٔ دفعه مذکوره بعمل آرند *

A TRUE TRANSLATION,

N. B. EDMONSTONE,

Persian Translator to the Government.

قانون دوم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

قانون مشتمل بر موثرف شدن دفعه شصت و یکم قانون اول سنه ۱۷۹۳ عیسوی در ضلع بهاکپور تا آخر ماه کاتک سنه ۱۲۰۱ بنکله واقعہ بتاریخ چهاردهم ماه مارچ سنه ۱۷۹۴ عیسوی مطابق سوم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنکله موافق بیست و هشتم ماه بهاکن سنه ۱۲۰۱ فصای مطابق سوم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ ولایتی موافق بیست و هشتم ماه بهاکن سنه ۱۸۵۰ سنیت مطابق یازدهم شهر شعبان سنه ۱۲۰۸ هجری *

دفعه اول

چون بحضور ظاهر گردید که تاحال مالکان زمین و مستاجران و تعالقداران مفصلی مقدمه
منعنه ضلع بهاکپور پته بجمیع رعایای خود ها بموجب قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی دادن نتوانسته اند بجهت دادن آن از دباذ میعاد ضروریست لهذا حکم مرقومه الذیل صادر گردید *

دفعه دوم

مالکان زمین و مستاجران و تعالقداران مفصلی متعلقه ضلع بهاکپور میعاد
دادن پته برعایا بموجب حکم مندرجه قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی تا آخر
ماه کاتک سنه ۱۲۰۱ بنکله داده می شود چنان متصور نگردد که حکم مندرجه دفعه
شصت و یکم قانون مذکور که مشتمل است در اینکه بعد انقضای آخر سنه ۱۱۹۸
شرفین در هر صوبه که رواج دارد هیچیک قرار داد که بر خلاف قانون مزبور باشد
معتبر تصور نخواهد شد و اگر کسی مالک زمین یا تعالقدار مفصلی یا مستاجر رعیت
از روی قرار دادیکه دران ابواب و تهوت و غیره شامل خراج اصلی نباشد چیزی
دعوی نماید دعوی نامسموع و نیز خرجه عدالت برودکری خواهد شد الی هذا
الایام در ضلع بهاکپور مذکور جاری نیست و نشده و تا اول ماه آگهن سنه ۲۰۱
بنکله جاری نخواهد شد *

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

ذکر علم ۱۰۸۱ ای دفعه
شصت و یکم قانون هشتم
سنه ۱۷۹۳ عیسوی تا آخر
ماه کاتک سنه ۱۲۰۱ بنکله
در ضلع بهاکپور *

قانون سوم سنه ۱۷۹۴ عيسوي

قانون درباب اينکه مانگان زمين سواي بعض حالات مخصوصه بعالت باقيات مالکداري قيد نشوند و تعين اينمعي که تحصيلداران بچه نوع بطلب باقيات مالکداري پردازند و تقرر بعض قواعد که ازروي آن صاحبان کلکتر شرکاء کسي ار عمله توابع آنها چيزي زر تغلب نمايد يا کاغذات متعلقه عهده خود پنهان دارد از و نشان زر و کاغذات مزبور را موجود نوانند گردانيد وهم تجويز مقدمات مالکداري سرکار و مقدمات خراج فيما بين عامه خلایق برسبيل استعجال بعمل آيد واقعه بتاريخ چهاردهم ماه مارچ سنه ۱۷۹۴ عيسوي مطابق سوم ماه چيت سنه ۱۲۰۰ بنگله موافق بيست و هشتم ماه بهاکن سنه ۱۲۰۱ فصلي مطابق سوم ماه چيت سنه ۱۲۰۱ ولايتي موافق بيست و هشتم ماه بهاکن سنه ۱۸۵۰ سنبت مطابق يازدهم شهر شعبان سنه ۱۲۰۸ هجري *

دفعه اول

از قدیم الايام حکم اينديار چنان اختيار بکار برده اند که شرکاء زر مالکداري بدمه کسي باقي مي افتاد بحد نظر وصول آن هم اورا قيد ميساختند وهم مال و اموال اورا بمعرض قرق آورده بفروش ميرسانيدند از انجا که در خاطر نواب گورنر جنرل بهادر چنان گذشت که درباب سبيل مالکداري سرکار صرف کفالت املاک مانگان زمين کافي خواهد بود و نیز چون توجه و التفات نواب مرصوف برين مصروف است که براي وصول آن بلا ضرورت چيزي سختي بعمل نبايد وهم در اکثر حالات چنان بظهور رسیده که سزاوان و تحصيلداران و اسيفان وغيره عمله زر سرکاري را تغلب نموده اند و در حاضر آمدن پيش صاحب کلکتر جهت فهمانیده دادن حساب خودها قصور بعمل آورده و کاغذاتيکه بذريعه عهده بدست آنها ميرسيد آنرا پنهان داشته اند و نیز ضروري واجب است که ذريعه نشان کنانیدن زر تغلبات و بهمرسانيدن کاغذات مزبوره بصاحبان کلکتر حاصل شود وهم براي وصول شدن مالکداري بلا تساهل و تغافل و تمشيت سرشته ذريعات واجب و مستحکم متصور است که جميع مقدمات مالکداري و خراج فيما بين سرکار و رعايای سرکار و درميان ديگران باسرع ازمنه انفصال يابد بناء عليه قواعد مندرجه دفعات ذيل از حضور مقرر گردید *

دفعه دوم

هریک مالک و مستاجر زمین را باید که زر قسط هر یک ماه در خزانه صاحب ملکتر یا پیش تحصیلدار یا دیگر هر کسکه برای وصول جمع اراضی او مقرر شود بلا انتظار تا کید صاحب ملکتر و غیره مزبور بتاریخ غره ماه آینده یا قبل آن از خود تمام و کمال داخل سازد و درین مقام واضح کرده میشود که در هر قانون حضور هر جا که لفظ مالک زمین مندرج گردد آن عبارت است از زمینداران و نعلنداران حضوری و دیگر جمیع کسانیکه فی الحقیقت مالک اراضی خرد ها بینه مالکداری آن اراضی یکسر در سرکار میرسانند *

ذکر تاکید بمالکان و مستاجران زمین در اینکه قسط هر یک ماه بلا تفریق صاحب ملکتر و غیره بخره آینده یا قبل آن داخل نمایند *

دفعه سوم

مالکان زمین از برای باقیات مالکداری و دعاوی از قسم مندرجه دفعه چهارم قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی سرای در حالات مرتومه دفعه چهاردهم قانون هذا قابل قید نخواهند شد زربقیات هر چه بنام آنها واجب شود وصول آن بعنوانیکه منعاقب ذکر آن می آید بعدل خواهد آمد *

ذکر اینکه مالکان زمین از برای باقی مالکداری قابل قید نخواهند شد الا در حالت مستطوره الامس * ذکر عنوان وصول زرباقی ذمه آنها *

دفعه چهارم

در صورتیکه کسی مالک زمین زر قسط هیچ یکماه را تا بانزاهم ماه آینده مطلقا نرساند یا وجبی از زر قسط مزبور تا تاریخ مزبور باقی باشد صاحب ملکتر را باید که بعنوان مندرجه دفعه سوم قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بطلب آن باقی پرداخته بدریعه پروانه که بطلب آن صادر نمایند بمالدار مزبور خبر دهند که اگر او در میان عرصه معینه زرباقی مزبور داخل نسازد وجه مکافات آن بحسب دوازده رویه سرصل سالانه بالای مقدار زرباقی حسب احکام مندرجه دفعه هفتم قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بر او واجب الا نخواهد آورد *

ذکر عنوان طلب نمودن زرباقی *

ذکر مکافاتیکه در صورت عدم ادا زرباقی در میان عرصه معینه بعمل نراند *

دفعه پنجم

در صورتیکه کسی مالک زمین بعد وصول پروانه صاحب ملکتر در باب طلب زمین باقی که ذکر آن بدفعه صدر مندرج است زرباقی مزبور را در میان عرصه معینه ادا ننماید صاحب موصوف را باید که هر قدر اراضی او جهت نشان زرباقی مزبور دیلام کنانیدن اصلح بندارند فرد تحصیل آن پیش صاحبان بورد افعال سازند و صاحبان موصوف را باید که خواه اراضی مندرجه فرد مذکور خواه دیگر اراضی مالک مزبور هر چه افضل دانند به وجب فوائدیکه برای دیلام اراضی جهت نشان زر باقیات

ذکر اینکه هرگاه کسی مالک زمین زرباقی خود را بعرصه معینه ادا نسازد صاحب ملکتر چه تدبیر بعمل آرند *

ذکر اینکه صاحبان بود
 اشتها نامه نیلام اراضی
 باقیمانده بلا پروانگی
 نواب گونو جنرل بهادر
 آویزان کنند *

ذکر تا بعد بصاحبان بود
 در اینکه بعد صدور اشهار
 نامه نیلام اراضی باقیمانده
 پروانگی حضور جهت
 نیلام آن حاصل سازند
 و اینکه بدون پروانگی
 اراضی مزبور نیلام نه
 کنند *

باقیات مقرر است بتفاوت مراتبیکه در ذیل تحریر می یابد به نیلام رسانند
 شرح مراتب مزبوره اینکه اشتهار نامه نیلام اراضی را بر پروانگی نواب گونو
 جنرل بهادر موقوف نداشته صاحبان موصوف را باید که اشتهار نامه بمضمون
 مندرجه بیست و ششم قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی از خود آویزان گردانند
 اما صاحبان موصوف را باید که بعد آویزان گردانیدن اشتهار نامه مزبوره فوراً از
 کیفیت مقدار زر باقی و تفصیل اراضی فروختنی و جمع آن و مکان نیلام بنواب
 موصوف اطلاع بدهند تا اینکه پروانگی نواب موصوف در باب نیلام اراضی مزبوره
 قبل روز معین نیلام آن پیش آنها برسد و بدون اعداد پروانگی مذکور نمی باید
 که نیلام آن بعمل آید چنانچه بصاحبان تکلیف تاکید است که پروانگی نواب گونو
 جنرل بهادر تا وقتیکه معرفت صاحبان بود باها نرسد گاهی به نیلام اراضی
 نبردند *

دفعه ششم

ذکر اینکه هر چند که باقیمانده
 زر باقی قبل نیلام ادا کنند
 تا هم وجه مکافات مندرجه
 دفعه چهارم گرفته شود *

مالک زمینی که اشتهار نامه نیلام اراضی او از روی دفعه صدر آویزان گردد هر چند
 آن مالک قبل روز معین نیلام زر باقی ذمه خود ا-ا سازد تا هم ا-ای وجه مکافات
 مندرجه دفعه چهارم بر او واجب خواهد گردید *

دفعه هفتم

ذکر اینکه اراضی کسی
 مالک زمین که جهت
 ا-ای باقی اشتهار نامه
 نیلام آن آویزان گردد
 اراضی او برای ا-ای
 زر باقی تا روز نیلام بذمه
 مالک مزبور واجب اطلب
 شود لایق فروش خواهد
 شد *

از آنجا که در اکثر حالات چنان اتفاق می نواند شد که بعد آویزان شدن اشتهار
 نامه نیلام اراضی کسی مالک زمین جهت ادای زر باقی مالکداری چیزی باقی
 دیگر هم تا روز معین نیلام بذمه او واجب می نواند شد و هر چند مالک
 مزبور در آن اثناء زر باقی اول را تمام و کمال ا-ا سازد تا هم زر سکین بذمه او
 باقی می نواند ماند بذا علیه واضح کرده می شود که هرگاه اشتهار نامه نیلام
 اراضی کسی مالک زمین جهت ا-ای باقی مالکداری آویزان کرده شود زر باقی
 چه بابت قبل چه بعد آویزان شدن اشتهار نامه نیلام هر قدر زر باقی بر مالک
 مزبور تا روز معین نیلام واجب اطلب گردد برای ادای آن وهم برای ادای
 وجه مکافات مندرجه دفعه چهارم اراضی مالک مزبور آنچه در اشتهار نامه مزبوره
 مندرج باشد لایق فروش خواهد بود *

دفعه هشتم

ذکر وصول زر تقاوی از
 مالکان زمین بعنوان
 باقیات مالکداری *

زرهایی که از سواک بمالکان زمین بتقریبات مندرجه دفعه چهارم قانون چهاردهم
 ۱۷۹۳ عیسوی تقاوی داده شود باقیات آن بعنوانیکه برای وصول باقیات مالکداری
 معین است بوصول خواهد رسید *

دفعه چهاردهم

در صورتیکه اراضی هیچ یک مالک زمین برای ا-ای زرباقی مالکداری یا برای نشان وجه دعوی از قبیل دعاوی سند رجحاً دفعه چهاردهم سنه ۱۷۹۴ عیسوی تمام و کمال نیلام گشته زر قیمت آن به ادای باقی یا وجه دعوی مزبور اکتفا نکند آنچه قواعد نسبت به بانیداران در قانون مزبور مقرر است آنهمه قواعد سرای آنچه که از روی دفعه یازدهم قانون هذا موقوف شده است نسبت بمالک مزبور و املاک منقوله او بمل نظر ادای زرباقی مرعی خواهد گشت و در صورتیکه اراضی هیچ یک مالک زمین جهت ا-ای زرباقی مالکداری در نیلام بسبب نشدن خریدار آن بفروش نرسد در آنصورت جمیع قواعد مذکور سرای آنچه موقوف شده است نسبت به مالک مزبور و املاک منقوله و غیر منقوله او مرعی خواهد شد هرگاه که صاحب ملکتر هیچ یک مالک زمین را بعد نیلام جمیع اراضی او جهت نشان زرباقیات مالکداری از روی دفعه هذا قید سازند صاحب موصوف را باید که فی الفور کیفیت آن مفصل بصاحبان مورد برنکارند و صاحبان موصوف را باید که کیفیت مزبور را اطلاعا بیش نواب گونر جنرل بهادر بکندارند *

ذکر تا اول ملکتران در اینکه هرگاه هیچ یک مالک زمین را از روی دفعه هذا قید سازند خبر آن مفصل بصاحبان مورد برنکارند *

دفعه پانزدهم

جمیع عمل و فعله از مردم اینملک مثل تحصیلدار و سزاول و امین و دیوان و سرشته دار و منشی و محوری و غیره که امر گرفتن یا داخل ساختن زرهای مالکداری سرکاری یا اهنمام سرشته حساب متعلقه سرکار بانها تعلق کبرد صاحبان ملکتر را باید که از هر واحد آنها چه در حال و چه در آینده حاضر ضامن بگیرند و هر کسکه حاضر ضامن هیچ یک عمل مترومه الصادر شود او را باید که اقرارنامه ضامنی بدینمضمون نوشته دهد که عمل مزبور تا وقتی که ارعده خود موقوف شده قطعه فارغخطی از صاحب ملکتر بمضمون اینکه از عمل مزبور هیچ کدام دعوی چه بابت زر چه بابت کاغذات یا افراد حساب سرکاری محوله و مقبوضه او نیست و نمائنده حاصل نسازد هرگاه که احضار او مطلوب شود او را حاضر سازم در صورت عدم حاضر کردن او صاحب ملکتر هرچه دعوی بابت زر یا بابت کاغذات یا افراد حساب سرکاری بر عمل مذکور داشته باشند جواب آن بدنه من خواهد شد و هرچه تدابیر در صورت حاضر بودن عمل مزبور نسبت با مرعی مییافت من هم قبول مینمایم که آن تدابیرات نسبت بمن نیز مرعی و مسلوک خواهد گشت و هرگاه کسی از عمل های مترومه الصادر معزول گردد یا عهده خود را استعنا نماید بعد از آنکه عمل مذکور جمع کواغذ و افراد حساب و زرهای سرکاری محوله خود را بصاحب ملکتر حواله سازد صاحب موصوف را باید که قطعه فارغخطی بمضمون

ذکر تا کید بصاحبان ملکتر در اینکه آنها حاضر ضامن عمل مسطور اجتن بگیرند *
ذکر مضمون اقرار حاضر ضامن مذکور *

بمضمون مرقومه الصدر باو بدهند در صورتیکه هیچ یک صاحب ملکتر را احتمال شود که حاضر ضامن آورده هیچ یک عمله مسطورچه در عهد ملکتر سابق وجه در عهد خود معتبر نیست صاحب موصوف را اختیار خواهد بود که حاضر ضامن دیگر از عمله مذکور بطلبند *

دفعه شانزدهم

ذکر اینکه هرگاه کسی صاحب ملکتر دعوی باقی محاسبه یا زر نقد یا کاغذ از طرف سرکار بنام هیچیک عمله مرقومه دفعه صدر داشته باشند صاحب موصوف برای نشان کردن آن چه تدبیر بعمل آید *

در صورتیکه کسی صاحب ملکتر بنام هیچ یک عمله مرقومه دفعه صدر دعوی بالی محاسبه یا زر نقد یا کاغذ سرکاری داشته باشند صاحب موصوف را باید که بلایعه قطعه نوشته به مهر و دستخط دیوان یا دیگر سر عمله متعلقه خود متضمن بر مقدار زر یا تعیین کاغذ مطلوبه بقید تاریخ و جائیکه برای داخل شدن زر یا کاغذ مزبور مقرر سازند مطالبه بعمل آرند در صورتیکه عمله مذکور زر یا کاغذ مطلوبه را تا تاریخ معینه داخل نسازد صاحب موصوف را اختیار خواهد بود که او را گرفتار گردانیده در محبسخانه عدالت دیوانی ضلع بوسانند و صاحب آن عدالت را لازم خواهد بود که تا وقتی که زر مذکور بادا نرسد یا او کاغذ مزبور را واپس ندهد او را در قید نگاهدارند و نیز صاحب ملکتر موصوف را اختیار است که از جمله املاک منقوله یا غیر منقوله عمله مذکور هر قدر جهت ادای زر ذمه او اکتفا نماید آنقدر املاک او را قرق سازند اگر بالفرض املاک او در میان سرحد ضلع دیگر واقع باشد صاحب ملکتر موصوف را باید که بصاحب ملکتر آنضلع برنگارند که آنقدر املاک را قرق گردانند در صورتیکه املاک عمله مزبور در میان سرحد متعلقه شهر عظیم آباد یا شهر جهانگیر نگر یا شهر مرشد آباد واقع باشد صاحب ملکتر را باید که معرفت و کیل سرکار بصاحب عدالت ضلع برنگارند که بصاحب عدالت آن شهر در باب قرق کردن املاک و حواله ساختن آن بصاحب ملکتر یک قریب نزدیک باشند ایما سازند و صاحبان مورد را اختیار خواهد بود که املاک مزبور را بلحاظ قواعدیکه برای فروش اراضی مالکان زمین جهت ادای باقی مالکنداری مقرر است بفروش رسانند در صورت وفات هیچیک عمله مرقومه دفعه صدر ضامن او از ضمانت بالکل رهایی خواهد یافت و صاحب موصوف هرچه دعوی از طرف سرکار بر عمله متوفی مذکور داشته باشند باید که برای آن بنام وارث او در عدالتیکه وارث مزبور تابع آن باشد نالش نمایند و اینقسم دعوی معرفت و کیل سرکار اجرا خواهد یافت و خرج آن از سرکار تعلق خواهد گرفت و هرچه قواعد در قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی نسبت بمقدمات دعاوی که صاحب ملکتر معرفت و کیل سرکار در عدالت رجوع گردانند مقرر است آنهاهم قواعد نیز نسبت بدعاوی مزبور مرعی خواهد گشت *

دفعه هفدهم

ذکر سبیل صاحب کلکتر
در صورتیکه هیچ یک عمله
زریا کاغذ سرکاری گرفته
روپوش گردد *

در صورتیکه کسی از عمله مرقومه دفعه پانزدهم چیزی زریا کاغذ سرکاری نزد خود داشته
روپوش گردد یا حاضر نشود صاحب کلکتر اختیار است که خواه برضامن اوتقاضا
نمایند خواه عمله مذکور را اگر در میان سرحد افضح باشد بگیر آورده مقید سازند
خواه در صورتیکه عمله مزبور در ضلعی دیگر یا در شهر عظیم آباد یا جهانگیر نگر
یا مرشد آباد پناه گرفته باشد واستحضارش صاحب کلکتر موصوف بمد نظر اینکه
تقاضای زریا کاغذ مزبور صرف از نه از ضامن او بعمل آید ضرور پندارند درینصورت
صاحب موصوف را باید که بصاحب عدالت ضلع برنگارند که در باب گرفتار ساختن
عمله مزبور بصاحب عدالتیکه در علاقه شان پناه گرفته باشد برنگارند بعد وصول
چنین نوشته همان صاحب عدالت را لازم خواهد شد که عمله مزبور را گرفتار ساخته
در محمولهخانه ضلعیکه از آنجا روپوش شده بود برسانند *

دفعه هجدهم

ذکر سبیل صاحب کلکتر
در صورتیکه کسی عمله
بدون فهمانیده دادن
حساب خود روپوش شده
عند الطلب پیش صاحب
موصوف حاضر نیاید *

در صورتیکه صاحب کلکتر بخواهند که هیچ یک عمله مرقومه دفعه پانزدهم را بمد
نظر تعیین زر زده او برای فهمانیده دادن حساب حاضر گردانند او با رجوع اینکه
صاحب موصوف قطعه پروانه بهمرو دستخط خود بطلب او بکچهری خود و نیز در
ضلعی که مسکن حال او باشد او نیز آن گردانند حاضر نیاید در اینصورت صاحب
موصوف را اختیار خواهد بود که فرد کیفیت زریا کاغذ منصرفه عمله مذکور آنچه
صحیح تر تیار تواند نمود تیار ساخته بعنوانیکه در حالت بیارشدن حساب آن زریا
دهوست آن کاغذ روپوشی آن عمله بر او تقاضا میشود برضامن اوتقاضا نمایند خواه عمده
مزبور را اگر در میان سرحد متعلقه صاحب موصوف بوده باشد از روی دفعه شانزدهم
گرفتار سازند خواه اگر در ضلعی دیگر یا در شهر عظیم آباد یا جهانگیر نگر یا مرشد آباد
پناه گرفته باشد بعنوان مندرجه دفعه هفدهم او را گرفتار گردانند در صورتیکه متعاقب
عند التجویز در عدالت بظهور رسد که زر مزبور مطلق واجب الطلب نمود یا منجمه
آن قدری واجب الطلب است یا کاغذ مطلوبه بقیض وتصرف او نبود باوجود آن
وجه خساره به سبب قید کردن او عاید حال صاحب کلکتر نخواهد گردید بلکه جمیع
خرجه دعوی و تجویز آن مقدمه بدمه عمله مزبور واجب الدین خواهد شد *

دفعه نوزدهم

ذکر خلاصی یافتن عمله
یا ضامنش که جهت دعوی

در صورتیکه هیچ یک عمله مرقومه دفعه پانزدهم یا ضامن او بعلت دعوی زر سرکاری
قید شده او یا ضامن او قبل نیلام املاکش یا وقتیکه بالفرض صاحب کلکتر را
املاک

قانون سوم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

زر سرکاری مقید شده باشد بشرط وقوع حادثه در متن مذکور شد *

املاک او دستیاب نشده باشد در باب واجب الادا بودن زر مزبور تمام و کمال یا چیزی از آن عذر در میان آورده ضامن معتبر بدهد بقراریکه بنام صاحب ملکتر در میان عرصه پانزده روز بعدالت نالش خواهد نمود بعد تجویز آن هر قدر زر بر او دکوی گردد آنرا معه سود بحساب دوازده رویه سر یصل من ابتدای تاریخ طلب زر طلبی لغایت تاریخ دکوی معه خرجه عدالت ادا خواهد ساخت درینصورت صاحب عدالت را باید که او را از قید خلاص ساخته بتجویز آن مقدمه پردازند و در صورتیکه حکم نیلام چیزی از املاک او صادر شده باشد نیلام آن موقوف شده املاک مزبور بمالک مسترد خواهد گردید *

دفعه بیستم

ذکر اختیار عمه و ضامن او در اینکه در حالت قید هم دعوی غیر واجب بودن زر طلبی بنام ملکتر رجوع گرداند *

در صورتیکه هیچ یک عمه مرقومه دفعه پانزدهم یا ضامن او بحکم صاحب ملکتر مقید شده بعنوان مرقومه دفعه صدر از صاحب ملکتر مخلص خود حاصل نکند در حالت قید هم او را اختیار است که اگر زر طلبی را غیر واجبی بپردازد بنام صاحب موقوف دعوی خود در عدالت رجوع گرداند *

دفعه بیست و یکم

ذکر اینکه صاحبان ملکتر یکی از وکلای عدالت را جهت جوابد هی دعوی که از قبیل مسطورالمتن بنام آنها رسد مامور سازند

هر دعوی که از عمه مرقومه دفعه پانزدهم یا وارث یا ضامن او از روی قانون هذا بنام هیچ یک صاحب ملکتر بعدالت رجوع گردد صاحب موقوف را باید که یکی از وکلای عدالت را جهت جوابد هی آن مامور سازند و جمیع قواعدیکه در قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی نسبت بمقدمات طلبیدن یا گرفتن صاحب ملکتر از طرف سرکار زر غیر واجبی از هیچ یک مالکدار بنام کسی صاحب ملکتر رجوع گردد متعین است آنهمه قواعد سوای آنچه که در قانون هذا موقوف شده است هم نسبت بدعوی که از قبیل مرقومه الصدر باشد مرعی خواهد گردید *

دفعه بیست و دوم

ذکر تاکید بصاحبان عدالت های اپیل مفصل و عدالت های اضلاع و شهر ها در اینکه جهت تجویز مقدماتی که از قبیل مسطورالمتن باشد در هر شفیه یکروز یا دو روز

انچه دعوی که در باب زر مال گذاری سرکاری یا زر تقاوی بابت تیاری نهر آب یا تلاب یا پل فیما بین سرکاری یا صاحبان ملکتر و مالکان یا مستاجران زمین در عدالت اپیل مفصل و عدالت ضلع یا شهر رجوع گردد و نیز دعوی که در باب زر خراج فیما بین مالکان یا مستاجران زمین و تعلقداران توابع آنها و نیز دعوی که بابت زر خراج یا شرح بته جات یا زر تقاوی بابت تیاری نهر آب یا تلاب یا پل فیما بین کسی از کسان مرقومه الصدر و اجاره داران یا کتکنه داران یا رعایای توابع

قانون سوم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

آنها در هیچیک عدالت رجوع کرد صاحبان عدالتی مزبور را باید که در هر
هفته یک روز با دو روز یا اگر ضرور دانند زیاده ازان مخصوص جهت تجویز اینقسم
مقدمات معین سازند چنانچه صاحبان مرصوف را باید که بتجویز مقدمات دیگر
بالفرض اگر بیشتر هم در عدالت رجوع شده باشد منوجه نشده بزمان روزهای
معین بتجویز مقدمات مندرجه نفعه هذیه پردازند و بتجویز مقدمات دیگر
موقوف بر روزهای دیگر دارند *

یا زیاده ازان مخصوص
معین سازند *

A TRUE TRANSLATION.

N. B. EDMONSTONE.

Persian Translator to the Government.

قانون چهارم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

قانون در باب عدم جاری شدن احکام مندرجه قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی نسبت بتقرر یتواریان و دادن پته برعایا در قسمت ضلع رامکده که واقع صوبه بهار است و صورت شدن دفعه شصت و یکم قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی در اضلاع راجشاهی و اورنیه و زمینداری ندیه و دریاة اینمعنی که در صورت مستعد گردیدن مالکان زمین و عمیره بدان پته مقرری به رعایا اگر آنها نگیرون کلام تدبیر بعمل خراهد آمد و در باب انفصال منخاصمه مالکان زمین و رعایا نسبت بشرح پته که بموجب قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی داده خواهد شد نسبت بشرح پته چهل و چهارم سنه ۱۷۹۳ عیسوی منقضی یابد خراهد شد واقعه بتاریخ بیست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۴ عیسوی مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۰ بنه موافق یازدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ فصلی مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ ولایتی موافق یازدهم ماه چیت سنه ۱۸۵۰ نسبت مطابق بیست و چهارم شهر شعبان سنه ۱۲۰۸ هجری *

دفعه اول

چون مالکان زمین و مستاجران قسمت ضلع رامکده که واقع صوبه بهار است اظهار اینمعنی نمودند که اکثر رعایای قسمت مذکور از نوشت و خواند بهره نمیدارند و همواره آب و برد اراضیات خود را از روی اقرار زبانی و شرایط مستثنات صورتات دیگر مینمایند در اینصورت احکام قوانین نسبت بدان پته بعمل آورده نمی شود اگر موافق حکم مندرجه دفعه شصت و دوم قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی یتواریان مقرر کرده شود زیر بار خساره کثیر می شویم زیراچه علاقات میان غیر از مواضع چند نسبت انهم از یکدیگر متفرق و غیر اتصال و بعین واقع نبودن ندی در الجا و عدم آبادی و بودن کوهستان جمع آن مواضع بسیار قلیل است و مالکان زمین و مستاجران ضلع نورنیه و مالک زمینداری ندیه ظاهر گردند که برای دادن پته بکافه رعایا از زیاد میعاد ضرور است و هویدا گشت که باوجود مستعد گردیدن مالکان زمین بدان پته بموجب نقشه و شرایط معینه آنها پته نمیکارند و بحد نظر حفظ و حراست رعایا و رونق و هر سبزی ملک مناسب است که برای رفع منخاصمه که فیما بین مالکان زمین و مستاجران و رعایا بتوقع آید قواعد متضمن شرح پته که بموجب قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی داده خواهد شد

قانون چهارم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

یامتصمن شرح پته مجدد عرض پته که میعادش بموجب قانون چهل و چهارم سنه ۱۷۹۳ عیسوی منقضي یارد خواهد کردید معین گردد درین صورت کورنر جنرال احکام مرقومه الدلیل صادر فرمودند *

دفعه دوم

مخفی نماید که احکام مندرجه دفعات پنجاه و چهارم و پنجاه و ششم و پنجاه و هشتم و پنجاه و هشتم و پنجاه و نهم و شصت و یکم قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بر قسمت ضلع رامکده که واقع صوبه بهار است تعلق نخواهد داشت *

ذکر تعلق نداشتهن قواعد پته بر قسمت را مکده که واقع صوبه بهار است

دفعه سوم

واضح باد که دفعه دوم ضمن دفعه شصت و دوم قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بر اصلاح مرقومه الصنوجاری نخواهد شد اما هرگاه صاحبان عدالت و صاحبان ملکات از روی اختیار مندرجه قانون مذکور یا هیچیک قوانین دیگر کاهذات حساب و غیره طلب نمایند کماشتکان یا کسانی را که مالکان زمین یا مستاجران یا کتکنه داران درین امر مقرر نمایند آنها مربراه آن خواهند نمود و نیز واضح باد که جمیع قواعد مندرجه دفعه مذکور قسمیکه بر مالکان زمین و مستاجران و تعلقداران مفصلی و بتواریان دیگر اصلاح لازم می آید همانقسم سواي دفعه نهم ضمن دفعه مذکور بر کماشتکان و کسان مامور مذکور و مالکان آنها لازم خواهد آمد *

ذکر تبدیل شدن دفعه شصت و دوم قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی نسبت باصلاح مندرجه صدر *

دفعه چهارم

میعاد دادن پته به رعایا از روی قواعد مندرجه قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی نسبت بمالکان زمین و مستاجران و تعلقداران مفصلی ضلع پورنیه تا آخر سنه ۱۲۰۰ بنکله و نسبت بمالک زمینداری ندیه تا انقضای سنه ۱۲۰۱ بنکله زاید گردید مخفی نماید که حکم مندرجه دفعه شصت و یکم قانون مذکور که مشتمل است بر اینکه بعد انقضای آخر سنه ۱۱۹۸ هر سن که در صوبه رواج دارد هیچیک قرارداد که برخلاف قانون مزبور باشد معتبر متصور نخواهد شد و اگر کسی مالک زمین یا تعلقدار مفصلی یا مستاجر یا رعیت از روی قراردادیکه دران ابواب و متصوت و غیره شامل خراج اصلی نماید چیزی دعوی نمایند آن دعوی نامسموع و نیو خراجه عدالت بر او دگری خواهد شد تا حال نال نیست و نشده و تا مرور میعاد مندرجه صدر نال نخواهد شد *

ذکر ازدیاد میعاد در باب دادن پته بر رعایای ضلع پورنیه و زمینداری ندیه *

دفعه پنجم

ذکر تدبیرات در صورت باوجود مستعد گردیدن مالکان زمین و غیره بدادن پته بموجب نقشه و شرایط معینه

معینه قانون رعایائی جا بجا پته نکرقتند و اعمال کورتنن آن نکرودند لهذا نوشته میشود که اگر بعد منظور شدن نقشه پته پیش صاحب ملکتر موافق دفعه پنجاه و هشتم قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی مالکان زمین یا مستاجران یا تعلقداران مفصلي اشتهار نامه اینمعنی که پته بموجب نقشه و شرح مروجه بجمع رعایا که در خواست آن دارند داده خواهد شد و نیز تعیین مکان و ایام و امامی کسانیکه معرفت آنها پته خواهند داد در اشتهار مذکور مندرج باشد به ثبت مواهیر و دستخط خودها بصدر و مفصل کچھوی زمینداری اجاره خودها بیاویزند پس تصور کرده خواهد شد که آنها بدان پته مستعد بودند و احکم مندرجه دفعه پنجاه و نهم قانون هشتم سنه ۱۷۹۴ عیسوی بعمل آمده و بانها درباره وصول مالکداری از رعایا خواه از روی قرضي بموجب قانون هفدهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی خواه از روی نالش در عدالت اختیار خواهد بود *

دفعه ششم

واضح باد که منظوری صاحب ملکتر نسبت به پته که از روی دفعه پنجاه و هشتم قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی حکم است صرف بنقشه اش تعلق دارد در صورت وقوع مخاصمه فیما بین رعایا و کسان مختار دادن پته نسبت به شرح آن خواه نقدي خواه بهارلی در عدالت دیوانیکه اراضی متنازعہ متعلق باشد از روی شرح اینقسم اراضی واقع پرکنه انفصال خواهد یافت *

دفعه هفتم

معنی نمائند که احکام مندرجه دفعه صدر بر پته هائیکه اول بموجب قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی داده خواهد شد و نیز بر پته های مجدد عوض پته هائیکه میعاش بموجب قانون چهل و چهارم سنه الیه منقضي یا رد کردد مرعی خواهد شد و بهمنظور رفع اشتباه نسبت بشرح پته مجدد عوض پته که میعاش منقضي کردد نکارش میروود واضح باد که هیچیک مالک زمین یا مستاجر یا احدی دیگر از آن رعایا که پته آنها بموجب قانون چهل و چهارم سنه ۱۷۹۳ عیسوی منقضي یا رد کردد بابت پته مجدد زیاده از شرح پرکنه نسبت باینقسم اراضی مالکداری طلب نخواهند ساخت اما بر رعایا اختیار است که هرگاه در خواست پته مجدد نمایند می توانند که پته مجدد بشرح مقرری بگیرند لسمیکه بموجب قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی کورتنن می توانند *

قانون پنجم سنه ۱۷۹۴ عيسوي

قانون در باب امتناع بصاحبان صدر ديواني عدالت و عدالتهاي اپيل مفصل از اينكه مقدمات انفصالي عدالتها كه سابق از اين بعدالتهاي ديواني مفصل معروف و مشهور بود من ابتدای ششم ماه اپريل سنه ۱۷۸۱ عيسوي تا اول ماه مي سنه ۱۷۹۳ عيسوي كه بموجب آئين آن زمان مكمل شده بود استماع اپيل آن نمايند واقع بتاريخ سيم ماه مي سنه ۱۷۹۴ عيسوي مطابق نوزدهم ماه جيته سنه ۱۲۰۱ بنكاه موافق شانزدهم ماه جيته سنه ۱۲۰۱ فصلي مطابق نوزدهم ماه جيته سنه ۱۲۰۱ ولايتي موافق شانزدهم ماه جيته سنه ۱۸۵۱ نسبت مطابق بيست و نهم شهر شوال سنه ۱۲۰۸ هجري *

دفعه اول

بموجب آئين عدالتها كه از ابتدای ششم ماه اپريل سنه ۱۷۸۱ عيسوي تا اول ماه مقدمه مي سنه ۱۷۹۳ عيسوي بحال بود جميع مقدمات انفصالي عدالتهاي ديواني مفصل نسبت بزمينداري يا تعلقداري يا چودهراري يا اراضي يا حويلي لاجراحي كه ماحصل سالانه آن زياده از يكصد روپيه سكه و جميع مقدمات زمينداري يا تعلقداري يا چودهراري يا اراضي يا حويلي خراجي كه ماحصل سالانه آن زياده از يك هزار روپيه سكه يا مقدمات ايمه خراجي كه جمع سالانه آن زياده از پنجاه روپيه سكه يا ديگر مقدمات نقد و جنس كه مقدار يا ماليت آن زياده از يکهزار روپيه سكه نباشد مكمل شده بود و بموجب دفعه دوازدهم قانون پنجم سنه ۱۷۹۳ عيسوي حكم است كه جميع مقدمات انفصالي عدالتهاي ديواني اضلاع و شهرها كه سابق از اين بعدالتهاي ديواني مفصل معروف بود بلا تعين مقدار و ماليت اپيل مي تواند شد در صورتيكه احدي از متخاصمين بعد اصدار حكم دكري درميان عرصه سه ماه خواه در علاقه اپيل مفصل خواه در عدالتيكه دكري شده در آن عرصي درخواست اپيل بگردانند اما از روي دفعه مذکور بصاحبان عدالتهاي اپيل مفصل اختيار گرفتن عرصي اپيل بعد مرور عرصه سه ماه نيز خواهد بود بشرطيكه اپيلانت سبب موجه عدم اپيل در عرصه مذکور ظاهر نمايند چون اختيار گرفتن عرصي اپيل بعد انقضاي عرصه سه ماه بصاحبان عدالتهاي اپيل مفصل موافق مندرجه دفعه مذکور مفروض است بناه عليه احتياها اينمعي رو داد كه مقدمات انفصال يافته قبل از اول ماه مي سنه ۱۷۹۳ عيسوي كه بموجب آئين بحالي آن

قانون ششم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

قانون مشتمل بر توقف اجرای هر مراتبیکه بالتخصیص در باب ضرب و رواج روپیه های نقره در دفعه ششم و نوزدهم و بیستم و بیست و سوم قانون می و پنجم سنه ۱۷۹۴ عیسوی مندرج است تا تاریخ دهم ماه اپریل سنه ۱۷۹۵ عیسوی و الیه بتاریخ سیام ماه می سنه ۱۷۹۴ عیسوی مطابق نوزدهم ماه جیته سنه ۱۲۰۱ بنکله موافق شانزدهم ماه جیته سنه ۱۲۰۱ فصلی مطابق نوزدهم ماه جیته سنه ۱۲۰۱ ولایتی موافق شانزدهم ماه جیته سنه ۱۲۰۱ نسبت مطابق بیست و نهم شهر شوال سنه ۱۲۰۸ هجری *

دفعه اول

در دفعه ششم قانون می و پنجم سنه ۱۷۹۴ عیسوی حکم شده بود که بعد تاریخ مقرر
 دهم ماه اپریل سنه ۱۷۹۴ عیسوی مطابق سیام ماه چیت سنه ۱۲۰۰ بنکله موافق
 بیست و پنجم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ فصلی مطابق سیام ماه چیت سنه ۱۲۰۱ ولایتی
 مطابق بیست و پنجم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ نسبت موافق نهم رمضان سنه ۱۲۰۸
 هجری هیچ یک رقم روپیه سواي روپیه های سنه ۱۹ در هیچ یک خزانه سوار گرفته
 وهم از انجا داده نخواهد شد و نیز بعد تاریخ مذکور سواي روپیه های سنه ۱۹
 هیچ یک رقم روپیه داد و ستد و کار و بار سوار و عوام الناس رایج الوقت متصور
 نخواهد شد چنانچه بتاریخ بیست و چهارم ماه اکتوبر سنه ۱۷۹۲ عیسوی که قانون
 در باب ضرب و رواج روپیه و اشرفی معین شده بود در آنوقت همین متصور شده
 بود که تا انقضای تاریخ دهم ماه اپریل سنه ۱۷۹۴ مذکور آنقدر روپیه از قسم سنه ۱۹
 ضرب و رواج خواهد یافت که جهت رایج الوقت گردانیدن آن در جمیع کار و بار
 سوار و عوام الناس وهم برای اجرای جمیع احکام مندرجه قانون مذکور که بعد
 تاریخ دهم ماه اپریل مذکور اجرا مییافتند کافی خواهد بود و همان احکام در قانون
 می و پنجم سنه ۱۷۹۴ عیسوی مکرر صادر شده لیکن چون درینولا از بعض اضلاع
 بمشور نواب کولر جنرل بهادر چنین خبر رسید که روپیه های سنه ۱۹ آنقدر رواج
 نیافته است که از ان مدعاي مرقومه الصدر حاصل میتواند شد و نیز در صورت
 عدم گرفتن دیگر رقم روپیه سواي روپیه سنه ۱۹ در اضلاع بسن حال در تحصیل
 ماواجب سوار تحمل راه می یابد وهم نسبت به عوام الناس مضرتی عاید نمیکرد
 بنا علیه بموجب مرقومه المذیل حکم حضور اصدار یافت *

قانون هشتم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

دفعه دوم

از جمله مراتب مندرجه دفعه هجدهم و نوزدهم و بیستم و بیست و سوم قانون
سی و پنجم سنه ۱۷۹۳ عیسوی هر مرتبیکه بالتخصیص در باب ضرب و رواج روپیه
نقده واقع است اجرای آن مراتب تا تاریخ دهم ماه اپریل سنه ۱۷۹۵ عیسوی مطابق
سی ام ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنگله موافق هشتم ماه بیساکهه سنه ۱۲۰۲ فصلی مطابق
سی ام ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتی موافق هشتم ماه بیساکهه سنه ۱۸۵۲ سنبت
مطابق نوزدهم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجری ملتوی بود اقسام روپیه ها مطابق
احکامیکه قبل از دهم ماه اپریل سنه ۱۷۹۴ عیسوی در باب گرفتن اقسام روپیه
بجای بود تا تاریخ دهم ماه اپریل سنه ۱۷۹۵ عیسوی رالیج و در جمیع خزانه های
سرکار گرفته خواهد شد مگر بعد تاریخ دهم ماه اپریل سنه ۱۷۹۵ مذکور جمیع مراتب
مندرجه قانون سی و پنجم مذکور اجرا خواهد یافت *

ذکر ملتوی بودن اجرای
بعض مراتب مندرجه
دفعه هجدهم و نوزدهم
و بیستم و بیست و سوم
قانون سی و پنجم سنه
۱۷۹۳ عیسوی که تفصیل
آن بدفعه هده مذکور
است تا تاریخ دهم ماه
اپریل سنه ۱۷۹۵ عیسوی *

A TRUE TRANSLATION,

N. B. EDMONSTONR.

Persian Translator to the Government.

قانون هفتم سنه ۱۷۹۴ عيسوي

قانون در باب تفويض اختيار بيكيك صاحب جج عدالت دايرو و هايير براي دورشش شش ماه و ماه بهماه تجویز نمودن مقدمات مستقر عدالت ها و تفويض اختيار بيكيك صاحب عدالت اپيل مفصل در باره اقامت بمستقر عدالت هاي مزبور بديار اجرائي بعض امور متعلقه عدالت هاي مذکور بهنگام دور ديگر صاحبان جج و قديمات نسبت بغيبت و بيماري صاحبان جج يا قاضي يا مفتي و خالي شدن عهد لضا يا افتا واقع بتاريخ هفدهم ماه اکتوبر سنه ۱۷۹۴ عيسوي مطابق سوم ماه کاتک سنه ۱۲۰۱ بنگله موافق نهم ماه کاتک سنه ۱۲۰۲ فصلي مطابق سوم ماه کاتک سنه ۱۲۰۲ ولايتي موافق نهم ماه کاتک سنه ۱۸۵۱ سنمت مطابق بيست و دوم شهر ربيع الاول سنه ۱۲۰۹ هجري *

دفعه اول

چون بموجب دفعه چهل و يكم قانون نهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي حکم است که هر يك علاوه عدالت دايرو و ساير بدو عدالت منقسم خواهد شد و در يك عدالت جج درجه اول و در عدالت ديگر جج درجه دوم و سوم براي تجویز مقدمات هر يك ضلع مندرجه دفعه چهل و يكم قانون مذکور بعد شش شش ماه دور خواهند نمود لهذا در حالت دور امورات عدالت هاي اپيل مفصل متعلقه صاحبان موصوف بالتوا مي افتد و بعلت مسدود ماندن عدالت هاي اپيل مفصل در حالت دور غالبا اين معني روميدهد که اکثر کسان درميان عرصه معينه اپيل اپيل مقدمه خود کردن نمي توانند و بعض کسان عرصه مذکور را بتغافل خود گذرانيد و اعتدال علم بودن صاحبان موصوف را در مستقر عدالت دستاویز سخن ساخته باپيل مقدمات خود نه پرداخته و سوالیکه بانها کرده مي شود باجوبه اش توقف ها درميان مي آيد و اصدار حکم و دگوي عدالتهاي مذکور موقوف مي ماند و انفصال پذيرفتن مقدمات رو بطورالت مي کشد و نیز بموجب دفعه چهل و ششم قانون مذکور حکم است که بعد انجام امورات دور و معاودت صاحبان موصوف همه صاحبان جج ماه بهماه تجویز مقدمات قيديان مستقر عدالت خواهند نمود و باعث حکم هذا اعتدال اوقات صاحبان جج درميان دورشش شش ماه به تجویز مقدمات قيديان صوف ميگردد که طاقت انجام امورات عدالت اپيل قبل از دور ثاني بخود نمي يابند درين صورت بلحاظ مرعت انفصال مقدمات عدالت هاي

قانون هفتم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

اپیل مفصل بلا توقف و اشمال دورشش شش ماه و مدم تخلل تجویز مقدمات عدالت ها بسبب غیبت یا بیماری صاحبان جج یا قاضی یا مفتی یا خالی شدن عهد قضا یا افتا احکام مفصله الدلیل صادر گردید *

دفعه دوم

بموجب دفعه هذا دفعه چهل و یکم و چهل و دوم و چهل و سوم و چهل و چهارم و چهل و پنجم و چهل و ششم قانون نهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی رد و منسوخ گردید *

دفعه سوم

بمقد نظر مرعت تجویز مقدمات اضلاع هر یک علاقه عدالت دایر و سایر در حالت دور بدو عدالت منقسم خواهد شد و در یکیک عدالت یکیک جج دور خواهند نمود و همراه یک جج صاحب رجستر و قاضی و همراه دیگر جج مفتی و امستنته رجستر خواهند رفت اما بصاحبان نمودن رجستر اختیار است که در حالت دور اگر مناسب دانند صاحب رجستر و امستنته را بنابر ترجمه کاغذاتی که عدالت نظامت مرسول خواهد شد یا بنابر انجام دیگر امورات متعلقه آنها بمستمر عدالت خواهند گذاشت *

دفعه چهارم

دفعه هذا مشتمل است بر دو دفعه اول اینکه یکیک جج هر یک علاقه عدالت دایر و سایر بجهت انجام امورات مندرجه دفعه دوازدهم همواره در مستقر عدالت معیم خواهند بود *

دوم اینکه صاحبان جج متواتر در مستقر عدالت معیم خواهند بود *

دفعه پنجم

علاقه های دایر و سایر منقسم کشته بموجب دفعه سوم باضلاع مفصله الدلیل دور ها بعمل خواهد آمد *

از اضلاع علاقه عظیم آباد

توابع یکعدالت

ضلع سارن

ضلع ترهت

ضلع شاه آباد

توابع دیگر عدالت

ضلع رامکنده

ضلع خاص بهار

از اضلاع

ذکر منسوخ شدن دفعات مرتومه التمن *

ذکر منقسم کشتن عدالت دایر و سایر بدو عدالت و کدام کس همراه کدام شخص خواهد رفت *

ذکر بودن یک جج در مستقر عدالت *

ذکر تواتر ماندن صاحبان جج *

ذکر مقامات دور یکیک جج *

قانون هفتم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

از اصلاح ضلعه جهانگیرنگر

توابع یکعدالت

ضلع صیمن سنکه

ضلع سلامت

توابع دیگر عدالت

ضلع چانگام

ضلع تپوره

ضلع باترگنج

از اصلاح ضلعه مرشدآباد

توابع یکعدالت

ضلع رنگپور

ضلع دیناج پور

تعلقات توابع کمیشنر کوچ بهار
سوابی تعلقات خاصه راجه کوچ بهار مذکور

توابع دیگر عدالت

ضلع بهاکپور

ضلع بورنہ

ضلع راجشاهی

از اصلاح ضلعه کلکتہ

توابع یکعدالت

ضلع جسر

ضلع ندیہ

توابع دیگر عدالت

ضلع بردوان

ضلع میدانی پور معہ محلات نمک
پختنی

ضلع بیربھوم

دفعہ ششم

ذکر اینکه صاحبان جج
و قاضی یا مفتی تواتر

دور سرد و عدالت یکیک علاقه متواتر بمقامات مندرجہ دفعہ پنجم بعمل خواهد
آمد و یک جج و قاضی یا مفتی بمقامات دور سابق دور نخواهند کرد املہ بصاحبان

[Reg. 7 of 1784-3]

عدالت نظامی اختیار است که هرگاه مناسب دانند حکم مندرجه دفعه هفدا را
و نیز حکم مندرجه دفعه دوم ضمن دفعه چهارم موقوف خواهند نمود *

دفعه هفتم

کسی صاحب حج را نمی باید که بلااجازت صاحبان عدالت نظامت از مستقر
عدالت غایب شوند و بدون علت بیماری و سبب لاری امر دور را ترک کردن
نخواهند توانست و در صورت وقوع اینچنین شقوق خمرش بعدالت نظامت
خواهند نکاشت *

دفعه هشتم

دفعه هفا مشتمل است بر دو دفعه اول اینکه درحالتیکه یکی از صاحبان حج
غایب شوند یا بیمار یا عهده شان خالی گردد و بعلت آن درحالت دور دیگر صاحبان
حج برای انصرام امورات مندرجه دفعه دوازدهم یک حج در مستقر عدالت مانند
نمی توانند باوصف آن دیگر دو صاحبان دور شش شش ماه بمقامات مندرجه
دفعه پنجم خواهند نمود و گویا جنول تاغایب یا بیمار بودن حج یا خالی بودن
عهده اش سند بصاحب رجستر بنابر انجام باکل امورات یا قدری از امورات
متعلقه حجیکه در مستقر عدالت مقیم می بودند خواهند داد یا کسی دیگر را
درین امر مامور خواهند فرمود یا آنچه مناسب دانند در ای معنی مرعی خواهند
داشت *

دوم اینکه در صورتیکه صاحب حجی بهنگام دور فوت شوند با انقدر علیل کردند
که امورات دور را انجام نمودن نتوانند در اینصورت گویا جنول خواه برای
نمودن دور به حجیکه در مستقر عدالت باشند حکم صادر خواهند نمود خواه
درینباب آنچه مناسب دانند تدبیرش خواهند فرمود *

دفعه نهم

هرگاه صاحبان حج علاقه عظیم آباد و جهانگیر نگر و مرشد آباد دور شش شش
ماه انجام نمایند باید که بلاترقی بمستقر عدالت های علاقه عظیم آباد و
جهانگیر نگر و مرشد آباد خودها را برسانند و بصاحب حج علاقه عظیم آباد که
اولا معاودت نمایند باید که بمجرد ورود خود بتجویز مقدمات قیدیان و زیر
سامنان شهر عظیم آباد پردازند و بصاحب حج علاقه مرشد آباد که اول معاودت
نمایند باید که بمجرد ورود خود بتجویز مقدمات قیدیان و زیر سامن شهر
و ضلع مرشد آباد پردازند و بصاحب حج علاقه جهانگیر نگر که اول معاودت
نمایند

در یکیک دور نخواهند رفت
ذکر اینکه صاحبان عدالت
نظامت حکم دفعه دوم
ضمن دفعه چهارم موقوف
کردن می توانند *

ذکر امتناع بصاحبان حج
از اینکه بلااجازت غایب
شوند در صورت حاضر
بودن امر دور را ترک
نمایند *

ذکر اینکه در صورت غیبت
یا بیماری صاحب حج چه
تدبیر بعمل خواهند آمد

ذکر اینکه در صورت وفات
یا فتن یا بیمار گشتن حج
چه تدبیر بعمل خواهد
آمد *

ذکر اینکه صاحبان عدالت
های دایر و سایر بعد
انجام دور بمستقر عدالت
خواهند رسید *

ذکر اینکه کدام کس و کدام وقت تجویز مقدمات قیدیان وزیر ضامنان خواهند نمود *

نمایند باید که بمجرد ورود خود بتجویز مقدمات قیدیان و ضامنان شهر جهانگیر نگر و ضلع دها که جلال پور بردازند و بماهیکه یکیک از دو صاحبان جمیع هر سه علاقه مندرجه صدر بمستقر عدالت برسند بعد انقضای یکماه ازان باول ماه آینده و بعد آن باول هر یکماه تارسیدن نوبت دور شش شش ماه ثانی تجویز مقدمات شهرهای مذکور و ضلع مرشد آباد و دها که جلال پور خواهند نمود و تا انجام تجویز جمیع مقدمات بلا وقفه اجلاس خواهند کرد مثلا اگر کسی جمیع امورات دور انجام نموده بتاریخ پانزدهم ماه جنوری بمستقر عدالت برسند بموجب حکم مندرجه صدر تجویز مقدمات جمیع قیدیان و وزیر ضامنان انجا باول ماه مارچ و بعد ازان باول هر یکماه تارسیدن نوبت دور ثانی خواهند نمود الا در صورتیکه اول هیچیک ماه بروز یکشنبه گردد آن روز تجویز مقدمات هر سه شهر و ضلعجات مندرجه صدر موقوف داشته از فردای آن خواهند نمود و بصاحبان عدالتهای دایر و سایر هر یک علاقه نمی باید که به هیچیک صعب بروز یکشنبه اجلاس نمایند *

ذکر امتناع اجلاس بروز یکشنبه *

دفعه دهم

ذکر اینکه یکیک جمیع تجویز مقدمات مستقر عدالت خواهند نمود *

بموجب دفعه نهم حکم است که ماه به ماه تجویز مقدمات قیدیان شهر عظیم آباد و جهانگیر نگر و مرشد آباد باهتمام یکیک جمیع یکیک علاقه بعمل خواهد آمد دیگر بحد نظر اینکه دو صاحبان جمیع در آن هنگام انجام امورات اپیل خواهند نمود *

دفعه یازدهم

ذکر اینکه کدام وقت و چه طور مقدمات ضلع بیست و چهار برکنه تجویز کرده خواهند شد *

هرگاه صاحبان جمیع مفصل علاقه کلکته دور شش شش ماه تملی اضلاع مندرجه دفعه پنجم نموده باشند باید که بمستقر عدالت قرب و جوار کلکته خود را برسانند و قسمیکه بدفعه نهم بر صاحبان دیگر علاقه حکم است که تجویز مقدمات مستقر عدالت نمایند همانقسم تجویز مقدمات ضلع بیست و چهار پرکنه خواهند نمود *

دفعه دوازدهم

ذکر اموراتیکه صاحب جمیع بوقت دور دیگر صاحبان بمستقر عدالت انصرام خواهند نمود *

دفعه هذا مشتمل است برده دفعه اول اینکه جمیعکه بموجب دفعه چهارم بمستقر عدالت معمم خواهند بود امورات مفصله الذیل انجام خواهند نمود *

ذکر اینکه عرضی اپیل که در عرض معینه بکند آنرا

دوم اینکه عرضی اپیل مقدمات انفصالی عدالتهای اضلاع و شهرها که بعرضه معینه اپیل بکند خواهد گرفت و حکم ضروری نسبت باحضار رساندن و طلبیدن کاغذات تجویز از عدالت صادر خواهند نمود *

- گرفته حکم ضروری صادر خواهند نمود *
- ذکر گرفتن عرضه که بعد عرصه معینه بگذرد *
- ذکر جاری کردن احکام صدر دیوانی عدالت *
- ذکر جاری کردن دگری واجرائی بعض احکام *
- ذکر تیار کردن مقدمات اپیل *
- ذکر تیار کردن رویداد مقدماتیکه برای اول تجویز سپرد شود *
- ذکر کمال اختیار داشتن یک جج نسبت باصوات مندرجه صدر *
- ذکر امتناع تبدیل حکم دیگر صاحبان جج انفصال مقدمه *
- ذکر اختیار بصاحبان جج در باب مکرواستماع گواهی گواهان و صادر نمودن حکم نسبت به رویداد *
- مردم اینک که در این اپیل که بعد انقضای عرصه معینه بگذرد خواهند گرفت و بران تاریخ گذشتن ان خواهند نگاشت اما جج را نمی باید که اینچنین عرضه را منظور یا نامنظور سازند باید که عرضه مذکور را نامعاودت یکی از صاحبان جج پیش خود داشته بعد آن حکم منظوری یا نامنظوری صادر نمایند *
- چهارم اینک که دگریها و احکام صاحبان صدر دیوانی عدالت جاری خواهند نمود و بجواب سوالات و حکم ناصحیات صاحبان موصوف خواهند پرداخت *
- پنجم اینک که دگریها و احکامیکه از عدالت خود صادر نمایند آنرا جاری خواهند نمود و تجویز معتبری ضامن خواهند کرد و سواي انفصال مقدمات دیگر بعض امور سرانجام خواهند نمود *
- ششم اینک که از متخاصمین دستاویزات طلبیده در صورت ضروری و منظوری زبان بندی گواهان گرفته رویداد مقدمات اپیل برای انفصال صاحبان جج تیار خواهند داشت *
- هفتم اینک که حکم ضروری نسبت بمقدماتیکه اولاً برای تجویز سپرد شود صادر خواهند نمود و سوال و جواب و دستاویزات و زبان بندی گواهان متخاصمین خواهند گرفت *
- هشتم اینک که اختیاریکه لجميع صاحبان جج مفوض گشته همان اختیار بیک صاحب جج برای انصرام امورات مندرجه صدر تفویض یافته *
- نهم اینک که احکامیکه دو یا سه صاحبان جج صادر نمایند تبدیلش نمی توانند نمود و هیچیک مقدمه اپیل یا مقدمه که برای اول تجویز سپرد شود انفصال نخواهند کرد چرا که بموجب قانون چهل و هفتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی حکم است که هیچیک دگری مصدوره بدون اجلاس دو صاحبان جج معتبر متصور نخواهد شد *
- دهم اینک که واضح باد که بعلمت تفویض اختیار بیک صاحب جج بدیگر صاحبان جج امتناع نیست که زبان بندی گواهانیکه پیشتر بیک صاحب جج گرفته اند باز بگیرند یا زبان بندی دیگر گواهان و حکمیکه مناسب و موافق قانون بند ازند انرا جاری نمایند *

دوازدهم

- در صورت غیبت یا بیماری یا خالی شدن همدججی یک صاحب جج در میان عرصه درفش شش ماه بصاحب ججیکه تجویز مقدمات مجرمان مستقر عدالت ماه بمه خواهند نمود باید که بعد یکیک روز بتجویز مقدمات مذکور پردازند بلحاظ اینک که اجلاس اپیل بعمل آید یا همچنین وقت تجویز مقدمات خواهند نمود که ان روز اجلاس عدالت اپیل نیز می تواند شد و در اینچنین حالت هرگاه یک صاحب جج تجویز مقدمات
- ذکر تیار کرده یک صاحب جج ذکر تدبیرات نسبت به غیبت یا بیماری یک صاحب جج در میان دور شش ماه *

قانون هفتم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

تجویز مقدمات عدالت دایر و سایر نمایندگان بپوشان همان اختیار مدوین خواهد شد
که بصاحب ججیکه در مستقر عدالت بمانند از روی دفعه دوازدهم حاصل است *

دفعه چهاردهم

در صورتیکه قاضی و مفتی یا احدی از آن در حالت دورغایب شوند یا وفات یابند یا بیمار
گردند یا عهده قضا یا افتا خالی گردد در اینصورت بصاحبان عدالتهای دایر و سایر
اختیار است که کار قضا یا افتا از قاضی ضلعیکه مقدمات انضاح تجویز گردد بگبرند
و فتوای مستخرجهاش بطریق فتوای قاضی یا مفتی عدالت دایر و سایر معتبر
و مقبول خواهد شد *

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER

[Reg. 7 of 1794—7.]

قانون هشتم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

قانون درباب ازدیاد و تصریح اختیار مندرجه دفعه ششم قانون سیزدهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی که از روی آن صاحبان عدالت های اضلاع و شهرها مقدمات را برای تجویز و انفصال بصاحبان رجستر عدالت های مذکور سپرد نمایند و تفویض اختیار بصاحبان عدالتها در اینکه به بعضی حالت کاغذ حساب مالکداری برای نویسانیدن کیفیتش بصاحبان رجستر سپرد نمایند واقعه بتاریخ چهاردهم ماه نونبر سنه ۱۷۹۴ عیسوی موافق اول ماه آگهن سنه ۱۲۰۱ بنکله موافق ششم ماه آگهن سنه ۱۲۰۲ فصلی مطابق اول ماه آگهن ۱۲۰۲ ولایتی موافق ششم ماه آگهن سنه ۱۸۵۱ سنهت مطابق بیستم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۰۹ هجری *

دفعه اول

بمحل نظر صرف نگشتن اوقات صاحبان عدالت های اضلاع و شهرها به تجویز مقدمات خفیه و دادن فرصت بانها درباب استعجال تجویز مقدمات سکاچن به موجب دفعه ششم قانون سیزدهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بصاحبان موصوف اختیار ایلمعنی بود که مقدمات نقد و جنس که مقدار و مالیت آن زیاده از دوصد روپیه سکه و مقدمات اراضی خراجی که ماحصل سالانه آن زیاده از دوصد روپیه سکه نباشد برای تجویز و انفصال بصاحبان رجستر سپرد نمایند اما در قانون مذکور حکم است که صاحبان عدالتها بطریق منظوری بردگریها صاحبان رجستر دستخط خواهند نمود و بدون دستخط شان معتبر متصور نخواهد شد و با وجود ارضی و نارض بودن متخاصمین دستخط صاحبان موصوف ضرور بود و چون در این معنی جوابد؛ واجبهیت آن بودند بناء علیه ملاحظه دگریهای مقدمات مذکور بصاحبان موصوف من قبیل واجبات می گردید پس در بصورتها هر قدر صحت و مشقت در تجویز مقدمات رومی داد در ملاحظه نیز همانقدر صحت و مشقت رومی نمود و از این معنی عین مطلب احکام قانون فوت میگردید بنابراین صاحبان موصوف اختیار سپرد نمودن مقدمات برای تجویز بصاحبان رجستر شانه و خال بعمل آرند لهذا بجهت حصول باکل مطلب احکام قانون مذکور و صرف نگشتن اوقات صاحبان عدالت های اضلاع منصل به تجویز مقدمات خفیه و نیز بلحاظ انجام امورات عدالت بتعجیل و برهائی دادن صاحبان عدالت های اضلاع و شهرها را از تصدیقات مقابله نمودن حساب

قانون هشتم سنه ۱۷۹۴ عیسوی

مطلوبه و بچ بابت مالکداری که اکثر اوقات برای انفصال مقدمات بعض مردمان ضروری اند قواعده مرقومه الدلیل معین گردید *

دفعه دوم

بموجب دفعه‌ها ششم قانون سیزدهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی رد و منسوخ گردید *

ذکر معروف شدن دفعه ششم قانون سیزدهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی *

دفعه سوم

بصاحبان عدالت های اضلاع و شهرها اختیار داده می شود که بصاحبان رجستر عدالت های مذکور مقدمات نقد و جنس که مقدار و مالیت آن زیاده از دوصد روپیه سکه یا مقدمات اراضی خراجی که ماحصل سالانه آن زیاده از دوصد روپیه سکه یا مقدمات اراضی لاخرجی که ماحصل سالانه آن زیاده از بیست روپیه سکه نباشد مرجوعه حال یا آینده برای تجویز و انفصال سپرد نمایند و صاحبان عدالت های مذکور و صاحبان رجستر را بجهت استماع و تجویز و انفصال مقدمات مرقومه الصل در هر هفته سه روز و در صورت دستداد فرصت بانها زیاده از آن خواهند نشانید *

ذکر سپردن مقدمات بصاحبان رجستر *

ذکر اینکه صاحبان رجستر در هر هفته سه روز مقدمات تجویز خواهند نمود *

دفعه چهارم

مقدماتیکه صاحب عدالت سپرد نمایند صاحب رجستر انرا در محکمه عدالت تجویز خواهند نمود بشرطیکه صاحب عدالت خود در محکمه اجلاس نه نمایند و در صورت اجلاس صاحب عدالت رجستر موصوف بکوشک علیحدت متصل محکمه عدالت اجلاس خواهند نمود *

ذکر جای اجلاس صاحب رجستر *

دفعه پنجم

بلواعلیکه صاحب عدالت تجویز مقدمات می نمایند از روی آن قواعده صاحب رجستر تجویز مقدمات خواهند نمود *

ذکر طریق تجویز مقدمات *

دفعه ششم

مقدمات انفصالی صاحب رجستر که مقدار و مالیت آن زیاده از بیست و پنج روپیه سکه نباشد مکمل خواهد شد اما بصاحبان عدالت ها اختیار داده می شود که ملاحظه جمیع دکریها نمایند و اگر هیچیک دکری را غیر واجبی و غلط پندارند درباره آن آنچه مناسب دانند بعمل آرند و اگر چه در هیچیک قانون مصدره قبل تاریخ

ذکر مکمل شدن دکری صاحبان رجستر نسبت بمقدمات نقد و جنس که زیاده از بیست و پنج روپیه سکه نباشد *

قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عيسوي

تاريخ قانون هذا حكم مكمل شدن دكري صاحبان عدالت اندراج نيافته بازوجود آن دكري صاحبانعدالتهاي مكمل خواهد شد اما بصاحبانعدالت ها لازم است كه هرگاه دكري صاحبان رجستر ملاحظه نمايند سبب ملاحظه نمودن آن در رويداد خود ها برنگارند *

دفعه هشتم

جميع دكريهاي صاحبان رجستر نسبت بمقدمات اشيائي غير منقوله ودكريهاي مقدمات نقد و جنس كه مقدار يا ماليت آن زياده از بيست و پنج روييه سكه باشد بعنوان اپيل شدن مقدمات انفصالي صاحبانعدالت بعدالت اپيل مفصل اپيل مي تواند شد *

دفعه هشتم

همگي طلب چتهي ها و غيره احكام نسبت بمقدمات سپرد شده بصاحبان رجستر بثبت مهر عدالت و دستخط صاحب رجستر معرفت عمليه عدالت صادر خواهد شد و قسميكه طلب چتهي و غيره احكام نسبت بمقدمات رويكاري صاحبان عدالت معتبر و نافذ متصور است همانقسم اينهم معتبر و نافذ متصور خواهد كرديد *

دفعه نهم

متخاصمين سوال و جواب مقدمات سپرد شده بصاحبان رجستر خواه خود خواه معرفت و كلايي مقرر عدالت خواهند نمود *

دفعه دهم

براي اطلاع صاحبان صدر ديواني عدالت و صاحبان عدالتهاي. اپيل مفصل از قسم و تعداد مقدماتيكه صاحبان رجستر عدالتهاي اضلاع و شهرها في ماه انفصال نمايند فهرست آن همراه فهرست ماهوارتي مقدمات انفصالي صاحبانعدالت كه بموجب دفعه يازدهم قانون هجدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي درباره ارسالش بصدر ديواني عدالت و عدالت اپيل مفصل حكم است فرستاده خواهد شد و صاحبانعدالتها را بايد كه در فهرست ماهوارتي خود ها مقدمات انفصالي صاحبان رجستر را كه پيش شان اپيل شده باشد بلحاظ اگاهي صاحبان صدر ديواني عدالت از اينكه چقدر مقدمه انفصالي صاحبان رجستر اپيل شده بود و بران چه قسم دكري كورديه تفريق نمايند و در فهرست شش شش ماهي بابت مقدمات ملتوي كه صاحبانعدالتها را بموجب دفعه دوازدهم قانون هجدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي بصدر ديواني عدالت

قانون هیفتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی

پیش رجستر ملتوی ماند در میان عرصه شش شش هفته *
و عدالت ایل مفصل حکم فرستادن است مقدمات انفصالی صاحبان رجستر را که اپیلش ملتوی باشد و نیز مقدمات رویکاری پیش رجستر موصوف تفریق خواهند نمود *

دفعه یازدهم

ذکر اختیار صاحبان عدالت بتجویز نمودن مقدمات که لایق تجویز صاحبان رجستر باشد *

چنان متصور نشود که موجب قانون هذا بصاحبان عدالتها امتناع است که مقدماتیکه قابل تجویز صاحبان رجستر باشد در صورت دستداد فرصت یا هیچیک سبب دیگر که مناسب دانند اولاً خود تجویز نمایند و از میان مقدماتیکه بموجب قانون چهل سنه ۱۷۹۳ عیسوی قابل تجویز کمیشران باشد بانها سپرد نمایند و دگری جمیع مقدمات نقد و جنس که مقدار و مالیت آن زیاده از بیست و پنج روپیه مسکه باشد که صاحب عدالت خود اولاً تجویز نمایند اگرچه در هیچیک قانون مصدوره قبل تاریخ قانون هذا درباره مکمل حکم دگری صاحبان عدالت منع گردیده باشد باوصف آن دگری صاحب عدالت مکمل خواهد شد *

دفعه دوازدهم

ذکر عدم اختیار صاحبان عدالتهای اپیل مفصل در باره سپرد نمودن مقدمات بنابر تجویز بصاحبان رجستر *

واضح باد که بموجب قانون هذا بصاحبان عدالتهای اپیل مفصل اختیار اینمعنی نیست که در صورت اپیل شدن مقدمات انفصالی صاحبان عدالت های اضلاع و شهر ها و صاحبان رجستر عدالتهای مذکور جهت تجویز و انفصال بصاحبان رجستر خودها سپرد نمایند *

دفعه سیزدهم

ذکر اختیار بصاحبان عدالت در اینکه کاغذات حساب بابت مقدمات مالکداری بصاحبان ملکتر سپرد نمایند *

بصاحبان عدالتهای اختیار است که هرگاه برای انفصال مقدمات ضرور باشد کاغذات حساب نسبت بمقدمات مالکداری یا وجه دیگر که وقوع مخاصمه آن فیما بین مالکان زمین یا مستاجران صدر و تعلقداران مفصلی توابع آنها و کتکنه داران و رعایا یا فیما بین تعلقداران مفصلی و کتکنه داران توابع آنها و رعایا یا فیما بین کتکنه داران توابع مالکان زمین یا فیما بین مستاجران صدر یا تعلقداران مفصلی و تعلقداران مفصلی توابع آنها و کتکنه داران و رعایا یا فیما بین کسی دیگر که در تحصیل وصول مالکداری دخلی داشته باشد اینهمه کسان مذکورین خواه اصالتاً مالک باشند خواه مالضامن در میان آید که سابق بر این اینهمه مقدمات تعلق از مالعدالتها میداشت برای نویسانیدن کیفیتش بصاحبان ملکتر سپرد نمایند و باید که قطعه حکمنامه به ثبت مهر عدالت و دستخط خردمتضمن فهرست حساب و دیگر

و دیگر کاغذات که برای تصریح آن ضرور دانند و تعیین مدت فرستادن کیفیتش بر صاحب مکتب صادر نمایند و نیز اجازت است که متخاصمین یا وکلای آنها یا گواهان را پیش صاحب مکتب رجوع گردانند بهد نظر اینکه صاحب مکتب کیفیت حساب از آنها استفسار نمایند و نیز اجازت است که صاحب مکتب اختیار اینمعنی دهند که او شان از گواهان حلف بگیرند یا در صورت اقبال تحلیف از متخاصمین حلف بگیرند و صاحب مکتب کیفیت حساب به ثبت مهر و دستخط خود در مدت معینه پیش صاحب عدالت خواهند فرستاد و الاسبب عدم فرستادنش در مدت معینه خواهند نکاشت و صاحب عدالت خواه آنرا منظور خواه نامنظور خواه تبدیل خواهند کرد یا آنچه مناسب دانند حکم خواهند داد و از روی احکام مندرجه دفعه هدا بصاحبان عدالتها اختیار نیست که کاغذات حساب نسبت به هیچیک مقدمه که نالش ان بنام صاحب مکتب یا عمه یا متوسل او شان یا سرکار رسد بصاحب مکتب سپرد نمایند *

ذکر عدم تفویض کاغذات
حساب مقدمات بصاحب
مکتب که از او شان یا از
کسی مندرجه متن تعاق
دارد *

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

خلاصه قوانین سنه ۱۷۹۴ عیسوی

خلاصه هذا مشتمل است بر بیست و یک باب

۱	تعبیر و تمذیل و تردید و از دیاد قوانین	۲	اپیل
۳	باقیات	۴	بورج
۵	ضرب زوجه	۶	صاحبان کلکتر
۷	عدالت دایر و سایر	۸	گورنر جنرل
۹	شراب و غیره مسکرات	۱۰	قاضی و مفتی
۱۱	عدالت نظامت	۱۲	جرمانه
۱۳	پولیس	۱۴	پتہ
۱۵	مالکان زمین و مستاجران	۱۶	عدالت اپیل مفصل
۱۷	پنواریان	۱۸	عمله ملکی متعلقه مال
۱۹	نیلام	۲۰	صدر دیوانی عدالت
۲۱	عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها		

الفاظ خاصهٔ یکیک امر که در قوانین اندراج یافته است بتفصیل معه کنایهٔ اینکه در کدام باب واقع بخلاصه هذا مندرج می گردد

فهرست	در باب	عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها
دادنی	باقیات	
قرنی	کلکتر و بورج و عمله ملکی متعلقه مال	
امین	کلکتر و بورج و عمله ملکی متعلقه مال	
بها کلپور	پتہ	
داروغه	پولیس	
تعلقداران مفصلی	پتہ	
دیوان	کلکتر و عمله ملکی متعلقه مال	
تعلقداران حضوری	پتہ	
گوبنده	عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها	
سند تیاری و فروش شراب	جرمانه	

خلاصه قوانین سنه ۱۷۹۴ عیسوی

اپیل و عدالت اپیل مفصل	_____	عدالت دیوانی مفصل
پتہ	_____	قدیمہ
عملہ ملکی متعلقہ مال	_____	پیمانگان
پتہ	_____	پورنیہ
اپیل و عدالت‌های دیوانی اضلاع	_____	صاحبان رجستر
و شهرها و عدالت‌های دایر و سایر	_____	
تغیر و تبدیل و غیره	_____	قوانین
عدالت‌های اضلاع و شهرها	_____	کیفیت
پتہ	_____	رعایا
عملہ ملکی متعلقہ مال	_____	سزاو لان
مکتر و نیلام و عدالت‌های دیوانی اضلاع	_____	مالضامنان
و شهرها و عملہ ملکی متعلقہ مال	_____	
باقیات	_____	تقاری
مکتر	_____	ویلا
مالکان زمین	_____	عملہ زمینداری

قوانین

خلاصه قوانین سنه ۱۷۹۴ عیسوی

قوانین سنه ۱۷۹۳ عیسوی | ۱ باب تغییر و تبدیل و غیره | بموجب قوانین سنه ۱۷۹۴ عیسوی

قانون	دفعه	دفعه ضمنی	قانون	دفعه	دفعه ضمنی
هشتم	پنجاه و چهارم	X	بر کدام کدام ضلع جاری نخواهد شد	دوم	X
	و پنجاه و ششم	X			
	پنجاه و هفتم	X			
ایضا	پنجاه و هشتم	X	ایضا و سواي ان به تشریح در آمده	ششم	X
ایضا	پنجاه و نهم	X	ایضا	دوم	X
ایضا	شصت و یکم	X	نا کدام وقت و در کدام جا قدری از ان موقوف گردیده	دوم و چهارم	X
ایضا	شصت و دوم	X	در کدام ضلع جاری نخواهد شد	سوم	X
نهم	چهل و یکم	X	در کدام	دوم	X
	چهل و دوم	X			
	چهل و سوم	X			
	چهل و چهارم	X			
	چهل و پنجم	X			
	چهل و ششم	X	رد گردید و احکم بعرض ان تقریبات	دوم	X
میز دهم	ششم	X	از دیاد گردید	دهم	X
چهاردهم	پنجم	X	بموجب قانون هذا کدام وقت لازم خواهد آمد	نهم	X
ایضا	ششم	X			
ایضا	نهم و دهم	X	رد گردید	یا زدهم	X
	و یازدهم	X			
	و چهاردهم	X			
	و بیست و دوم	X			
ایضا	بیست و پنجم	X	بموجب قانون هذا احکم ان کدام وقت لازم خواهد آمد	نهم	X
ایضا	بیست و ششم	X	مزید گردید	پنجم	X
ایضا	چهل	X	حکمش به تمین در آمده	سوم و	X
ایضا	X	X	بموجب قانون هذا کدام حکم لازم خواهد آمد	چهاردهم	X
				دوازدهم	X

خلاصه قوانین سنه ۱۷۹۴ هجری

ردیف	دفعه	دفعه ضمنی دفعه	تائید	دفعه	دفعه ضمنی دفعه
۳	پانزدهم	X	هشتم	احکام از دیاد گردید	X
۴	و دوازدهم و هیجدهم و نوزدهم و بیستم و بیست و سوم	X X X X X	ششم	احکام آن تا کدام وقت موقوف گردید	X X X X X
یکم	سوم	X	اول	احکام این بر کدام مقدمه زاید گردید	X
	هفتم	X			

دفعه ضمن دلایل	دفعه	قانون
X	دوم	باب عدالت اپیل ۴ کدام مقدمه انفصالی عدالت دیوانی مفصل سابق قابل اپیل نمی شود *
X	هشتم	کدام مقدمه انفصالی صاحبان اضلاع و شهرها قابل اپیل نمی گردد *
X	هفتم	کدام مقدمه انفصالی صاحبان رجستر بعدالت اپیل در ابتدا اپیل خواهد شد * در باب عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها و عدالت اپیل مفصل واقع است *
		باب باقیات ۳
X	سوم	چطور وصول خواهد شد ملکان زمین برای ادای آن قید نخواهند گردید استثنای حکم مزبور *
X	چهارم	چطور طلب کرده خواهد شد جرمانه نسبت بعدم ادای آن در عرصه معینه *
X	پنجم	کدام وقت اراضیات برای ادای باقیات قابل نیلام خواهد شد *
X	هفتم	چطور و کدام وقت باقیاتیکه خواه قبل دادن اشتهار نامه بجهت نیلام خواه بعد آن بوقوع آمده بود وصول خواهد گردید *
X	هشتم	چطور باقیات مالکنداری مثل تقاوی و دادنی وصول کرده خواهد شد *
		در باب صاحبان ککتر و ملکان زمین و نیلام و بورد و عمده ملکی متعلقه مال واقع است *
		باب بورد ۴
X	پنجم	برای نیلام اراضیات باقیه اشتهار نامه خواهند داد لیکن بدون حکم گورنر جنرل نیلام نخواهند کرد مضمون کیفیتیکه آنها خواهند نکاشت *
X	نهم	بصاحبان ککتر نسبت به عرق نمودن اراضیاتیکه نیلام آن برای ادای باقیات شده بود حکم دادن می توانند *
X	چهاردهم	بکدام حالت کیفیت قید شدن ملکان زمین بحضور گورنر جنرل خواهند نکاشت *
X	شانزدهم	موانع کدام قواعد حکم فروختن مال و اشیای عمده ملکی متعلقه مال برای ادای واجب الطلب مکرر صادر نمودن می توانند *

خلاصه قوانین سنه ۱۷۹۴ عیسوی

دفعه ضمن دفعه	دفعه	قانون
		در باب صاحبان تکثیر و کورنر جنرل و نیلام و عمه ملکی متعلقه مال واقع است *
		۵ باب ضرب روپیه
X	دوم	احکم نسبت بضر و روپیه مندرجه دفعه هیجدهم و نوزدهم و بیستم و بیست و سوم قانون سی و پنجم سنه ۱۷۹۳ عیسوی تا کدام وقت موقوف خواهد شد *
		۶ باب صاحبان تکثیر
X	چهارم	چطور بگرفتار ساختن کسانی که بدون اسناد شراب و غیره مسکرات می فروشند خواهند پرداخت *
X	هفتم	بنام آنها معرفت و کیل سرکار نالش خواهند نمود *
X	چهارم	چطور باقیات مالکداری طلب خواهند کرد *
X	پنجم	کدام وقت تعداد اراضیات باقیمداران برای نیلام پیش صاحبان برود خواهند فرستاد بدون حصول حکم کورنر جنرل معرفت صاحبان موصوف اراضیات را هرگز نیلام نخواهند کرد *
X	نهم	اراضیانی که درباره نیلام آن حکم صادر گردیده است بدون حکم قرق نخواهند نمود *
X	سیزدهم	چطور بنام باقیمداران مالکداری خودها پیش تحصیلداران می نمایند نالش خواهند نمود *
X	چهاردهم	هرگاه مالک زمینی را که در و بست اراضیاتش نیلام گردیده باشد قبل نمایند کیفیت آن پیش صاحبان برود خواهند نکاشت *
X	پانزدهم	از تحصیلداران و غیره عمه ملکی متعلقه مال حاضر ضامن خواهند گرفت و کدام وقت آنها را از ضمانت خواهند رها نمود و کدام حالت از آنها ضامن مجدد طلب خواهند نمود *
X	شانزدهم	چطور بر عمه برای ادای زر طلبی که بدست آنها بوده باشد نالش خواهند کرد و مال آنها قرق کردن می توانند و از روی کدام حکم خواهند کرد بنام وارثان عمه هائیکه زر متصرف شده باشند نالش خواهند نمود الا بنام مال ضمانت آنها *
X	هفدهم	در صورتیکه عمه بگریزد بنام او یا مالضامن او نالش می تواند شد و اگر بنام عمه نالش نمایند چه تدبیر لازم خواهد آمد *
X	هیجدهم	هرگاه کسی عمه بدون رفع حساب بگریزد یا برای رفع آن حاضر

دفعه ضمن دفعه	دفعه	قانون
X	ایضا بیست و یکم	نگردد چطور بنام او نالش کرده خواهد شد در صورت قید کنائیدن او بر صاحب کلکتر توان او عاید نمی تواند شد *
X	چهارم ششم	احدی را از وکلای مقرره عدالت جهت جواب دادن نالشیکه عمده مزبور یا وارث او یا مالضامن او نماید معین خواهند نمود بر اینقسم مقدمه کدام قواعد لازم خواهد آمد *
X	هشتم سیزدهم	صرف اختیار نسبت بمنظور نقشه پته می دارند * کدام وقت و چه طریق کیفیت حسابیه صاحبان عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها جهت رفع آن تفویض نمایند خواهند نوشت *
X	هشتم سوم	در باب مالکان زمین و مستاجران و عمده ملکی متعلقه مال باقیات و عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها و بود و گورنر جنرل واقع است *
X	ایضا چهارم	۷ باب عدالت دایر و سایر یک یک عدالت دایر و سایر بدو عدالت منقسم خواهد شد و تابع یک یک چه خواهد بود و صاحب رجستر و قاضی یا مفتی همراه چه دیگر خواهند رفت صاحبان چه اختیار میدارند که به وقت دور صاحب رجستر و صاحب استثنه را برای انصرام بعض امور بجای استقامت خودها دارند *
اول	ایضا	دیگر چه بجای استقامت خواهند ماند *
دوم	ایضا	صاحبان چه علی التواتر بجای استقامت خواهند ماند *
X	ایضا پنجم	و در کدام جایک یک چه خواهند نمود *
X	ایضا ششم	صاحبان چه بدون اصدار حکم متواتر یک یک دور کردن نمی توانند صاحبان چه را نمی باید که از جای استقامت خود غایب باشند و بدون لاجق بیماری نمی توانند که دورا موقوف سازند خیر بیماری بصاحبان عدالت نظامت خواهند نکاشت *
اول	ایضا هشتم	در صورتیکه یکی از صاحبان چه غایب یا بیمار شوند یا عهده ججی یک چه خالی باشد دیگر دو چه دور خواهند نمود *
X	ایضا نهم	صاحبان چه علاقه عظیم آباد و غیره امورات دورا بانصرام رسانیده بجای استقامت خودها معاودت خواهند نمود ججیکه اول برسند تجویز مقدمات قیدیان شهر عظیم آباد و شهر جهانگیرنگر ضلع دها که جلال پور و شهر و ضلع مرشد آباد خواهند نمود

دفعه ضمن دفعه	دفعه	قانون
		و چند مرتبه تجویز مقدمات قیدیان صدر مقام خواهند نمود و بروز یکشنبه اجلاس عدالت نخواهند نمود *
X	دهم	هفتم یکس از صاحبان حج متواتر تجویز مقدمات قیدیان صدر مقام خواهند نمود *
X	یازدهم	ایضا قواعد در نسبت به تجویز مقدمات علاوه عدالت دایر و سایر مملکت *
X	سیزدهم	ایضا در صورتیکه یکس از صاحبان حج غایب باشند یا بیمار گردند چطور صاحب حج تجویز مقدمات قیدیان صدر مقام خواهند نمود *
X	چهاردهم	ایضا بکدام حالت از قاضیان عدالت های اضلاع و شهرها انجام امورات خواهند کنانید * در باب گورنر جنرل و کورت اپیل مفصل واقع است ۸ باب گورنر جنرل
X	پنجم اول و دوم	هفتم بدون اجازت گورنر جنرل اراضیات فروخته نخواهد شد — در صورتیکه یکی از صاحبان حج غایب یا بیمار یا فوت دور بیمار شوند یا وفات یابند در اینصورت گورنر معزالیه تدبیرات انجام کار چچیکه اوشان را باستقامتگاه حکم ماندن است خواهند نمود * در باب خورد و نیلام و صاحبان ملکتر واقع است * ۹ باب شراب و غیره مسکرات
X	دوم	اول بکدام حالت بر سازندگان و فروشندگان شراب و غیره جرمانه لازم خواهد آمد *
X	چهارم	ایضا بکدام حالت سواي جرمانه خرجه بر آنها لازم خواهد آمد ...
X	هفتم	ایضا اگر جرمانه ادا نسازند بر آنها چه کرده خواهد شد — در باب جرمانه و عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها واقع است ۱۰ باب قاضی و مفتی
X	دوم	هفتم یکس از قاضی و مفتی همراه یکیک عدالت دایر و سایر دور خواهند نمود *
X	چهاردهم	ایضا در صورتیکه غایب یا بیمار باشند یا عهده آنها خالی باشد کار متعلقه آنها چطور انصرام خواهد یافت * در باب عدالت های دایر و سایر واقع است

دفعه ضمن دفعه	دفعه	قانون	
X	ششم	هفتم	<p>۱۱ باب عدالت نظامت</p> <p>صاحبان عدالت نظامت باحدی از صاحبان جج اختیار دور متواتر بجائیکه سابق برین دور نموده باشند تفویض نمودن می توانند و حکم مندرجه دفعه دوم ضمن دفعه چهارم قانون هذا موقوف می توانند داشت *</p> <p>در باب عدالت دایر و سایر واقعه است *</p>
X	دوم	اول	<p>۱۲ باب جرمانه</p> <p>کسانیکه بدون دستیاب اسناد شراب و غیره مسکرات تیار سازند و بفروشنند بر آنها چقدر و چطور جرمانه معین خواهد گردید *</p>
X	ششم	ایضا	بکدام حالت جرمانه از ضامنان گرفته خواهد شد
X	هفتم	ایضا	چطور گرفته خواهد شد
X	چهارم پنجم	سوم	<p>کدام وقت در باره عدم ادای باقی مالکداری جرمانه لازم خواهد آمد بکدام شرح و چطور گرفته خواهد شد *</p> <p>در باب عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها و پولیس و باقیات و نیلام واقعه است *</p>
X	ششم	اول	<p>۱۳ باب پولیس</p> <p>داروغاها را بموجب درخواست تحصیلداران زر تکس ابکاری باید که کسانیکه بدون حصول اسناد شراب تیار سازند یا بفروشنند آنها را گرفتار سازند کدام وقت از آنها درباره حاضر شدن پیش جج ضامن خواهند گرفت یا آنها را خواهند فرستاد کدام حالت جوابده جرمانه که بر مجرمان معین گردد خواهند شد *</p> <p>در باب جرمانه و عدالت دیوانی اضلاع و شهرها و عمله ملکی متعلقه مال واقعه است</p>
X	دوم	دوم	<p>۱۴ باب پته</p> <p>در کدام عرصه مالکان زمین و مستاجران و تعلقداران مفصلی متعلقه ضلع بهاکپور را بجمیع رعایا پته دادن خواهد شد *</p>
X	دوم	چهارم	<p>بعض احکام مندرجه قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بر قسمت رانگده که متعلقه بهار است تعلق نمیدارد *</p>
X	چهارم	ایضا	<p>احکام مرتومه الصدر تا کدام وقت در ضلع پورنیه و زمینداری ندیه موقوف خواهد بود *</p>

خلاصه قوانین سنه ۱۷۹۴ عیسوی

دفعه ضمیمه	دفعه	قانون
X	پنجم	بنام رعایاییکه پتہ نمیگیرند یا بگرفتن ان انکار دارند درباره وصول زرخزانہ نالش میتواند شد و مال و اموال آنها قابل قرق خواهد کردید *
X	ششم	مخاصمه شرح پتہ کدام جا و چطور رفع خواهد کردید —
X	هفتم	از روی کدام قواعد پتہ های مجدد دعوض پتہ های سابق داده خواهد شد * در باب مالکان زمین و مستاجران و صاحبان ملکات و عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها واقعه است ۱۵ باب مالکان زمین و مستاجران
X	دوم	مالکان و مستاجران مذکورین تا کدام وقت در ضلع بهاکپور از روی پتہ حال بنام رعایا درباره باقیات نالش کردن می توانند *
X	سوم	کدام کس مالکان زمین اند و بچند عرصه قسط ماهوار ادا خواهند کنانید تا طلب شدن ان موقوف لغو خواهند کرد *
X	ایضا	بکدام حالات بجهت باقیات لایق قید خواهند شد و بکدام حالات لغو خواهند شد *
X	ششم	باوجود ادای باقیات اراضیات آنها برای ادای بعض جرمانه لایق فیلام خواهد شد *
X	دهم	در صورتیکه از امنا که برای قرق ساختن اراضیات آنها متعین کردند زور کنند یا کنانند چطور بنام آنها نالش خواهد کردید *
X	یازدهم	در صورتیکه زر طلبی صاحبان ملکات ادا نساوند درینصورت قسمیکه برای وصول باقیات نالش بنام آنها شود همانقسم نالش خواهد شد سبب تردید بعض احکام مندرجه قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی *
X	دوازدهم	چطور بنام صاحب ملکات بجهت زیریکه از برای مرکاز آنها غیر واجبی گرفته باشند نالش می توانند نمود و چقدر مسترد خواهند یافت و از کدام کس استرداد خواهد شد *
X	چهاردهم	در صورتیکه در دست اراضیات آنها به فیلام فروخته شود و زر قیمت ان اکتفای باقیات نکند یا کسی خرید نه نماید درینصورت بر آنها و بر دیگر مالیت آنها چه لازم خواهد آمد *
X	سوم	در کدام کدام ضلع آنها و عمله آنها را لازم است که حساب خودها پیش صاحبان ملکات در عدالت دیوانی اضلاع و شهرها بگنرانند
X	چهارم	موض پتہ سابق بکدام شرح پتہ مجدد داده خواهد شد *

دفعه ضمیمه دفعه	دفعه	قانون
		در باب باقیات و نیلام و صاحبان ملکات و طالت های دیوانی اضلاع و شهرها و پنه و جرمانه واقع است باب کوریت اپیل مفصل ۱۶
X	بیست و دوم	سوم در هر هفته یکروز یا زیاده ازان برای تجویز مقدمات مالکداری معین خواهند نمود *
X	دوم	پنجم درباره استماع اپیل کدام مقدمه انفصالی عدالت دیوانی مفصل سابق استماع است اما مقدمه که اپیل شده است تجویز و انفصال آن خواهند نمود *
X	سوم	ایضا اختیاریکه درباره استماع اپیل مقدمه انفصالی عدالت سابق یا حال بعد انقضای عرصه معینه و دادن اجازت نلش مکرر بایلاننیکه بعد اپیل تا شش هفته در مقدمه خود نه پرداخته باشد بصاحبان کوریت مذکور تفویض یافته است آنرا با احتیاط تمام بکار برند سبب حکم هذا *
X	دهم	هفتم در حینیکه یک جج ماه به ماه باستقامتگاه خود بتجویز مقدمات قلمی پردازند دیگر نوجج باجری امر کوریت اپیل خواهند پرداخت *
X	دوازدهم	ایضا بوقت دور عدالت دایر و سایر ججی که باستقامتگاه خود بهمانند امورات مندرجه ذیل انجام خواهند نمود *
دوم	ایضا	ایضا درخواست اپیل که در عرصه معین بگذرد آنرا گرفته طلب جتمی صادر خواهند نمود *
سوم	ایضا	ایضا درخواست اپیل که بعد انقضای عرصه معین بگذرد آنرا خواهند گرفت و درباره آن چه تدبیر بعمل آوردن خواهد شد *
چهارم	ایضا	ایضا احکام صدر دیوانی عدالت اجرا خواهند نمود
پنجم	ایضا	ایضا دگریها اجرا خواهند نمود و بانجام امورات و قوعی خواهند پرداخت *
ششم	ایضا	ایضا کاغذ مقدمات بجهت تجویز و انفصال تیار خواهند داشت
هفتم	ایضا	ایضا مقدماتیکه برای اول تجویز مفوض گردد تجویز خواهند نمود
هشتم	ایضا	ایضا در اجرای کارهایی مندرجه صدر اختیاریکه بجمیع صاحبان جج تفویض یافته است همان اختیار بارشان مفوض گردید *
نهم	ایضا	ایضا جج موصوف حکم دیگر صاحبان جج تمذیل نمودن و اپیل یا دگری هیچ یک مقدمه کردن نمی توانند *

دفعه ضمن دفعه	دفعه	قانون
دهم	دوازدهم	هفتم در صورتیکه جج موصوف از گواهان زبان بندي گرفته باشند دیگر صاحبان جج را اختیار است که باز زبان بندي آنها بگیرند و درباره مقدماتیکه جج موصوف برای انفصال تیار داشته باشند حکم صادر نمایند *
X	دوازدهم	هشتم امتناع است که صاحبان جج بنابر تجویز و تحقیق بمساحبان رجستر مقدمات تفویض نمایند * در باب عدالت های دیوانی اصلاح و شهرها و عدالت های دایر و سایر واقعه است *
X	سوم	چهارم در کدام ضلع احکام مندرجه دفعه دوم ضمن دفعه شصت و دوم قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی درباره پتواریان تعلق نمیدارد *
X	چهارم	اول ۱۸ باب عمه ملکی متعلقه مال وجه یومیه پیادگان برای چندیوم و از کدام کس دهانیده خواهد شد *
X	پنجم	ایضا در صورتیکه کسی بدون حصول سند شراب و غیره مسکرات تیار سازد یا بفروشد بچه عنوان تحصیلداران زر آبکاری او را خواهند گرفت یا گرفتار خواهند کنانید *
X	سیزدهم	سوم بچه طریق تحصیلداران زرباقیات مالکداری از باقیداران طلب خواهند نمود و کدام وقت خسر مقدار زرباقیات مزبور بمصاحب مکتور خواهند نکاشت *
X	پانزدهم	ایضا مالضامن دادن خواهد شد
X	شصت و نهم	ایضا کدام حالت خرجه مقدمه که بنام آنها کرده شود دادن خواهد شد *
X	نوزدهم	ایضا هرگاه آنها یا مالضامنان آنها حسب نالش صاحب مکتور قید باشند بنا بر خلاصی خرد ها چه تدبیر بعمل خواهند آورد *
X	بیستم	ایضا در حین قید بودن بنام صاحب مکتور در باره غیر واجبی قید شدن خودها نالش نمودن می توانند *
		در باب صاحبان مکتور و پولیس و عدالت های دیوانی واقعه است *